



گرمی ۵۰ درجه‌ای و جهنم محبس نیمروز؛

خانواده‌ها از وضعیت بد زندانیان نگرانند



همزمان با تبدیل شدن نیمروز به گرم‌ترین نقطه در افغانستان، بسته‌گان زندانیان محبس این ولایت از شرایط موجود در زندان به شدت شکایت دارند. به گفته آنان، در شرایطی که اتاق‌های زندان تنها گنجایش پنج تا شش نفر را دارد، ۱۵ تا ۱۶ نفر در یک اتاق جا به جا شده‌اند که ۷۰۰ تن چنین وضعیت را تحمل می‌کنند. شماری از این زندانیان که بیشترشان در ایران یا هنگام سفر به ایران بازداشت شده‌اند، گفته‌اند که به جای یک روز زنده‌گی در زندان نیمروز، حاضرند سال‌ها زندان ایران را سپری کنند...

در پنجشیر چه جریان دارد؟

پنجشیر از نظر جغرافیایی سرزمین وسیعی نیست، اما به دلیل نقش آن در تحولات چند دهه اخیر افغانستان، انگشت‌نماست و اتفاق‌هایی که در این ولایت رخ می‌دهد، ممکن است توجه بسیاری از مردم را جلب کند...



گزارش محرمانه خروج آشفته آمریکا از افغانستان؛

بایدن از تحقق عدم حضور القاعده سخن می‌گوید

سیلاب در لوگر نزدیک به یک هزار جریب زمین زراعتی را تخریب کرد



۸ صبح، لوگر: مسولان محلی طالبان در لوگر می‌گویند که در پی جاری شدن سیلاب ناشی از بارش باران شدید و زاله در ولسوالی ازره این ولایت حدود یک هزار جریب زمین زراعتی از بین رفته است. ریاست زراعت، آبیاری و مالداری طالبان در لوگر روز جمعه، ۹ سرطان، در خبرنامه‌ای گفته است که این سیلاب‌ها پس از چاشت روز سه‌شنبه هفته گذشته، سرازیر شد. با این حال، رقم دقیق از زمین‌های تخریب‌شده در لوگر مشخص نیست. به گفته این ریاست، زمین‌های زراعتی بیشتر در مناطق کسوالویر، اکبرخیل، بره‌چوتره، کوزه‌چوتره، جانوخیل، منزوم، تنگ‌دره و روستای منگولی ولسوالی ازره این ولایت، تخریب شده است.

سیلاب در لوگر همزمان با برداشت حاصلات زمین‌های زراعتی به وقوع پیوسته است. این در حالی است که اداره هواشناسی طالبان در هفته گذشته از احتمال بارش باران شدید، رعدوبرق و سیلاب در ۱۰ ولایت کشور هشدار داده بود.

ولایت‌های بدخشان، ننگرهار و پکتیکا هم در هفته گذشته گواه سیلاب‌های مهدهش بودند که در کنار تلفات جانی، خسارات هنگفت مالی نیز به باشندگان محل وارد شده است.

نبیل طالبان را گروه واگنر آمریکا در منطقه خواند

او گفته است: «رییس‌جمهور بایدن با افشای ضمایم پنهان توافق دوحه، افشاکری پیشگامانه‌ای انجام داده و ماهیت واقعی طالبان به‌عنوان گروه واگنر ایالات متحده در این منطقه را روشن می‌کند.» این در حالی است که رییس‌جمهور آمریکا، جمعه‌شب، ۹ سرطان، در یک نشست خبری گفته که القاعده را در افغانستان به کمک طالبان سرکوب کرده است. او تصریح کرده است: «یادتان است در مورد افغانستان چی‌گفتم؟ گفتم القاعده آن‌جا نیست. گفتم از طالبان کمک خواهیم گرفت. حق با من بود.» وزارت امور خارجه طالبان نیز در واکنش به گفته‌های جو بایدن گفته که سخنان رییس‌جمهور آمریکا گزارش اخیر کمیته نظارت بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل را رد می‌کند.

این در حالی است که کمیته نظارت بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش خود گفته بود که طالبان رابطه‌شان با شبکه القاعده و طالبان پاکستانی را تعمیق بخشیده‌اند. براساس این گزارش، طالبان زمینه فعالیت بیشتر گروه‌های تروریستی را مساعد کردند و خطر تروریسم در افغانستان زیر اداره طالبان در حال افزایش است.



۸ صبح، کابل: رییس پیشین امنیت ملی افغانستان در واکنش به اظهارات اخیر جو بایدن، رییس‌جمهور آمریکا در پیوند به سرکوب القاعده توسط طالبان گفته است که ضمایم پنهان توافق نامه دوحه ماهیت واقعی طالبان به‌عنوان گروه واگنر آمریکا در منطقه را روشن می‌کند. رحمت‌الله نبیل، رییس پیشین امنیت ملی افغانستان روز شنبه، ۱۰ سرطان، با نشر توییتی این مطلب را نوشته است.

حمله چریکی جبهه مقاومت در پروان؛ یک طالب کشته و یک طالب دیگر زخمی شده است

۸ صبح، پروان: جبهه مقاومت ملی از حمله چریکی نیروهای این جبهه بر یک پاسگاه طالبان در ولایت پروان خبر می‌دهد. یک عضو ارشد این جبهه که از ذکر نامش در خبر خودداری می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که این حمله جمعه‌شب، ۹ سرطان، در منطقه جوی پروژه ولسوالی بگرام انجام شده است. منبع ادعا می‌کند که در نتیجه این حمله، دست‌کم یک جنگ‌جوی طالب کشته و یک طالب دیگر زخمی شده است.

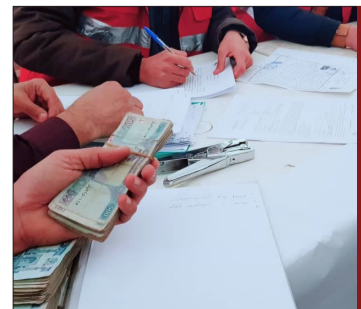


دیپلماسی و جنبش زنان

از نگاه تاریخی زنده‌گی انسان در کره خاکی شاهد مجموعه گسترده از تغییرات و تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده که...



هلال احمر با حمایت صلیب سرخ به یک هزار خانواده در هرات کمک نقدی توزیع کرد





قرآن سوزی؛

واکنش افراط‌گرایان به افراط‌گرایان

قرآن سوزی عملی غیراخلاقی است، زیرا متضمن اهانت به احساسات بیش از یک میلیارد انسان، سبب افزایش تنش میان پیروان ادیان و موجب راندن جوامع به سوی برخورد تمدن‌هاست. جهانی که از صدها دردسر دیگر رنج می‌برد و آرامش ساکنانش در معرض انواع تهدیدهاست، نیازی به تنش‌های بیشتر، آن هم با رنگ دینی و با رویکرد اسلام‌هراسانه ندارد. مدارا، دگرپذیری، گفت‌وگو، تفاهم و تعاون نیازهای اساسی بشریت در این روزگارند و هرچه خلاف این باشد، زیان‌بار و ضد اخلاقی است. شخصی که در سویدن دست به این عمل زد، یکی از عناصر افراطی ضد مسلمانان است که بدون توجه به پیامدهای این عمل و تاثیر آن بر رابطه متقابل کشورها و ملت‌ها، در پی هیاهوآفرینی و جلب توجه است و می‌داند که با این کار موجی از احساسات خصمانه به راه خواهد افتاد و او به قهرمان این غوغا تبدیل خواهد شد.

این پدیده اما ابعاد دیگری نیز دارد که بدون توجه به آن‌ها از درک تصویر کامل قضیه عاجز خواهیم ماند. یکی این است که استفاده از قرآن مجید در کارزارهای سیاسی پیشینه‌ای بسیار دراز به قدمت تاریخ اسلام دارد. نخستین بار که نسخه‌هایی از قرآن سوزانده شد، در زمان خلیفه سوم مسلمانان حضرت عثمان بود. درباره انگیزه‌های آن عمل تحلیل‌ها و توابیل‌های مختلفی وجود دارد، اما شماری از بزرگان صحابه مانند ابن مسعود، با این عمل مخالف بودند و بر سر مخالفت با آن مورد خشم و شکنجه قرار گرفتند. سپس بالا بردن قرآن بر سر نیزه‌ها بود که در همان عصر صحابه رخ داد و بارزترین نمونه استفاده ابزاری از قرآن در تاریخ شناخته می‌شود. در این عصر نیز قرآن‌های فراوانی به دست خود مسلمانان به آتش کشیده شد، به‌ویژه در عملیات انتحاری گروه‌های تروریستی مانند طالبان و داعش در مساجد و مکاتب که شنیع‌تر از عمل آن سویدنی است.

از این مهم‌تر عمل کرد مسلمانان است که بسیاری از آنان با رفتار خود تصویری هراس‌انگیز از قرآن مجید به دست می‌دهند، به‌ویژه گروه‌هایی که میلیون‌ها زن و دختر را از حقوق ساده انسانی‌شان مانند تحصیل و اشتغال، به نام قرآن محروم می‌سازند و با این عمل خود قرآن را به کتابی ویرانگر برای جامعه انسانی معرفی می‌کنند. همه گروه‌هایی که با ابزار ساختن اسلام در عرصه سیاست به افشاندن تخم کین و نفرت در جوامع کمر بسته‌اند، قرآن را به‌مثابه عامل تباهی بشریت به تصویر می‌کشند.

آن‌چه رفتارهای ناشایست عده‌ای به نام قرآن را توجیه می‌کند، قرائت بنیادگرایانه از آن است که میان لایه‌های تاریخی و فراتاریخی متون مقدس فرقی نمی‌گذارد. در متون مقدس همه ادیان فرازهایی وجود دارد که ناظر به شرایط خاص تاریخی است و بیرون از آن چارچوب توجیه اخلاقی ندارد. نگاه عقلانی به این متون تقاضا دارد که آن‌ها را از گزاره‌های جهان‌شمول تفکیک کنند. در نگاه بنیادگرایانه به این متون امکان چنین تفکیکی نیست، و فی‌المثل، آنان گمان می‌کنند که چارپا خواندن مخالفان حکمی جاودانی و جهان‌رواست که بر همه نامسلمانان تا ابد جاری است. چنین برداشتی موجب هراس پیروان سایر ادیان از قرآن و بالتبع انگیزه اعمالی از قبیل قرآن‌سوزی می‌شود. برای جلوگیری از افزایش تنش میان پیروان ادیان، باید از یک سو متون مقدس همه ادیان به شمول قرآن مجید از هر گونه اهانت مصون باشد و از دیگر سو باید قرائت بنیادگرایانه از متون دینی کنار نهاده شود تا دگرهراسی در میان پیروان ادیان کاهش یابد و راه تفاهم میان انسان‌ها گشوده گردد.

انس حقانی: دولت فرانسه بیش از هزار معترض رازندانی کرده است



او اضافه کرده است که مردم فرانسه به علت «این بی‌عدالتی» به جاده‌ها ریخته‌اند.

به گفته وی، هیچ کشور و سازمان حقوق بشری حمایت خود را از معترضان نشان نداده و به دولت فرانسه نگفته‌اند که با معترضان برخورد تندی نداشته باشد.

این در حالی است که با روی کارآمدن طالبان در کشور، این گروه همواره مانع دادخواهی‌های خیابانی زنان شده و راه‌پیمایی آنان را برهم زده است.

طالبان همواره زنان و مردان معترض را بازداشت و شکنجه کرده‌اند.

گفتنی است که پولیس فرانسه روز سه‌شنبه، ۲۷ جون، یک جوان ۱۷ ساله را که ناهل نام داشت و به دستور توقف مامور راهنمایی راننده‌گی توجه نکرده بود، در نزدیکی پاریس به ضرب گلوله کشت. نوار تصویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده افسری را نشان می‌دهد که سلاحی را به سوی راننده یک موتر نشانه گرفته است، و بعد صدای تیراندازی شنیده می‌شود. موتر سپس در تصادفی متوقف می‌شود.

معترضان خشمگین در دست‌کم سه شب گذشته تعدادی از جاده‌ها و موترها را در فرانسه آتش زده‌اند.

۸صبح، کابل: در حالی که طالبان به بازداشت و شکنجه معترضان در نقاط مختلف کشور متهم هستند، انس حقانی، یک عضو ارشد این گروه در واکنش به اعتراض‌های اخیر در فرانسه گفته که دولت آن کشور به زور متوسل شده و بیش از هزار معترض رازندانی کرده است.

انس حقانی، یک عضو ارشد طالبان روز شنبه، ۱۰ سرطان، با نشر توییتی نوشته که رفتار پولیس علیه اقلیت‌ها با تبعیض و خشونت همراه است که اغلب به خشم و اعتراض گسترده عمومی منجر شده است.

وزارت خارجه امریکا مدیریت روند تخلیه از افغانستان را مورد انتقاد قرار داد



۸صبح، کابل: وزارت امور خارجه امریکا در گزارشی از مدیریت روند تخلیه در اگست ۲۰۲۱، از افغانستان انتقاد کرده و گفته که ضعف مدیریت مانع تصمیم‌گیری درست مقام‌های این کشور شده است.

این گزارش که روز جمعه، ۹ سرطان، نشر شد، خواستار تعیین یک فرد مسوول و جداسازی برنامه‌های اضطراری از مسایل سیاسی شده است.

در این گزارش آمده است: «تغییر مداوم پالیسی و پیام‌های عمومی از واشنگتن در مورد این که چه جمعیتی واجد شرایط اسکان مجدد هستند و چگونه سفارت باید ارتباطات و جریان را مدیریت کند، بر سردرگمی افزوده و بیشتر حقایق کلیدی مدنظر گرفته نمی‌شد.»

در همین حال، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، هم‌زمان با نشر این گزارش از تهیه‌کننده‌گان آن توصیف و تعهد کرده که توصیه‌های آنان را برای بهبود کار پی‌گیری کند.

وی افزوده است: «در واقع، درس‌های آموخته شده پیش از این به ما کمک کرد تا پاسخگویی‌ها را در اوکراین، سودان و جاهای دیگر بهتر هدایت کنیم.»

این گزارش که از مصاحبه با ۱۵۰ مقام فعلی و سابق امریکا تهیه شده است، از اختلاف میان دولت ترامپ و بایدن پرده برداشته و گفته که بایدن تعلیق در روند طی مراحل ویزای مهاجرت به شرکای افغان را از دولت

خودکشی یک دختر جوان در غور

۸صبح، غور: منابع محلی در غور از خودکشی یک دختر جوان در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که چاشت روز شنبه، ۱۰ سرطان، یک دختر ۱۹ ساله در شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور خودش را حلق‌آویز کرده و به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

منابع علت این خودکشی را خشونت‌های خانوادگی عنوان کرده‌اند.

طالبان در غور تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که حدود دو ماه پیش نیز یک دختر ۱۵ ساله در ولسوالی دولتیار ولایت غور خودش را حلق‌آویز کرده بود

هشدار برنامه جهانی غذا؛

«پس از اکتوبر پولی برای کمک به مردم افغانستان نداریم»

۸صبح، کابل: برنامه جهانی غذا (WFP) گفته که بودجه این نهاد رو به اتمام است و پس از ماه اکتوبر سال جاری میلادی پولی برای ادامه کمک به نیازمندان در افغانستان ندارد.

رویترز جمعه‌شب، ۹ سرطان، گزارش داده است که شائو لی، مسوول بخش افغانستان برنامه جهانی غذا، گفته که این سازمان تا دو ماه دیگر تنها به پنج میلیون نیازمند افغان قادر به کمک‌رسانی است.

وی هشدار داده که پیش از فصل سرما و بندشدن راه‌های مواصلاتی نیاز است تا کمک‌ها در مناطق دوردست افغانستان جابه‌جا شوند.

خانم شائو لی افزوده است که برنامه جهانی غذا برای انجام این کار به بیش از ۱۰۰ میلیون دالر نیاز دارد.

براساس گزارش‌ها، کاهش کمک‌ها از ماه اگست آغاز و در نهایت، ماه اکتبر کاملاً متوقف خواهد شد.

این مقام برنامه جهانی غذا تصریح کرده که دبلیوآف‌پی، برای ادامه کمک به مردم افغانستان تا ماه مارچ ۲۰۲۴ به یک میلیارد دالر نیاز دارد.

شائو لی افزوده است که به‌رغم توقف کاهش بودجه، این سازمان به کمک‌هایش در بخش سوء‌تغذیه در کشور ادامه خواهد داد.

این در حالی است که جامعه جهانی به‌دلیل ممنوعیت کار زنان از سوی طالبان و افزایش بحران‌های اقتصادی در سایر کشورها، کمک‌هایش به افغانستان را به یک میلیارد دالر کاهش داده است.

برپایه اطلاعات، نیمی از دریافت‌کننده‌گان کمک‌ها در افغانستان زنان هستند.

این نگرانی در حالی مطرح می‌شود که براساس گزارش برنامه جهانی غذا، هم‌اکنون ۱۵ میلیون افغان با مشکل جدی کمبود غذا روبه‌رو هستند.

رویدادهای ترافیکی در غزنی و پروان طی سه روز عید چهار کشته و ۱۲۸ زخمی برجا گذاشت

۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی می‌گویند که در ۶۵ رویداد ترافیکی طی سه روز عید قربان، سه تن جان باخته و ۱۲۶ تن دیگر زخمی شده‌اند.

منابع روز شنبه، ۱۰ سرطان، به روزنامه ۸صبح گفتند که در میان قربانیان زنان و کودکان نیز شامل هستند.

به گفته منابع، این رویدادها در پی آن حراف موترها از جاده و برخورد یک موترسایکل با یک موتر مسافربری به‌وقوع پیوسته است.

یک منبع از شفاخانه ولایتی غزنی می‌گوید که شمار زیادی از زخمیان رویدادهای ترافیکی به این شفاخانه منتقل شده‌اند، اما به‌دلیل ممنوعیت طالبان از تداوی زخمیان رویدادهای ترافیکی با موترسایکل، برخی از آنان به ولایات همجوار از جمله کابل منتقل شده‌اند.

طالبان هفته گذشته تداوی زخمیان رویدادهای ترافیکی با موترسایکل را در مراکز صحنی غزنی ممنوع کردند.

با این حال، در پی سقوط یک موتر نوع کرولا در ولایت پروان، یک دختر ۲۲ ساله جان باخته و دو مرد زخم برداشته‌اند.

بایدن از تحقق عدم حضور القاعده سخن می گوید



امین کاوه

وزارت خارجه آمریکا بخشی از نسخه محرمانه گزارش خود در مورد خروج از افغانستان را منتشر کرد. براساس این گزارش، آمریکا برای بدترین سناریو برنامه نداشته و از اداره بایدن در مدیریت بحران تخلیه کابل نیز به شدت انتقاد شده است. در این گزارش گفته شده که برنامه ریزی ضعیف در دوران ترمپ منجر به خروج آشفته دولت بایدن از افغانستان شده است. از محورهای اساسی دیگر این گزارش، نابه سامانی در بالاترین سطوح دولت آن کشور در مورد خروج از افغانستان خوانده شده است. همزمان با نشر این گزارش، جو بایدن در واکنشی گفته است که القاعده ای در افغانستان وجود نخواهد داشت. اظهارات رییس جمهور آمریکا با واکنش های تندى مواجه شده است. به گفته برخی از سیاسیون افغان، بایدن ضمایم پنهانی توافق نامه دوحه را افشا کرده است که براساس آن گروه طالبان به واگنر آمریکا مبدل شده است. طالبان اما از موضع گیری اخیر بایدن استقبال کرده اند. این در حالی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد در گزارش تازه خود از حضور القاعده و ارتباط تنگاتنگ این گروه با طالبان پرده برداشته است. براساس این گزارش، گروه های تروریستی به شمول القاعده با برگشت طالبان به قدرت، از آزادی های بیشتری برخوردار شده اند.

وزارت خارجه آمریکا روز جمعه، ۹ سرطان، بخشی از گزارش محرمانه خود از روند تخلیه کابل در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ را منتشر کرده است. در این گزارش از دولت جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده، به گونه شدید انتقاد شده است. افزون بر این، گفته شده است که تصمیم های ترمپ و بایدن، رییس ان جمهوری، برای پایان دادن به ماموریت نظامی ایالات متحده در افغانستان

پیامدهای جدی برای دوام دولت افغانستان و امنیت داشت. وزارت خارجه ایالات متحده از گزارش ۸۰ صفحهای خود حدود یک چهارم آن را منتشر کرده که در آن با ۱۵۰ مقام دولتی از اداره فعلی و قبلی دولت آمریکا مصاحبه شده است.

در این گزارش گفته شده است که در دوره هر دو رییس جمهور ایالات متحده، در سطح مقام های ارشد در مورد بدترین سناریوها و این که پروسه تخلیه با چه سرعتی دنبال شود، اطلاعات کافی وجود نداشته است. یافته های گزارش نشان می دهد که برنامه ریزی ضعیف در میان مقامات ارشد در دولت های ترمپ و بایدن به «خروج پرهز و مرج و مرگ بار» ایالات متحده از افغانستان در تابستان ۲۰۲۱ کمک کرده است. در ۲۷ اگست ۲۰۲۱، در یک حمله انتحاری بیش از ۲۰۰ تن کشته و حدود ۴۰۰ تن دیگر زخمی شدند که ۱۳ سرباز امریکایی نیز در میان کشته شده گان این حادثه بودند. داعش مسوولیت حمله را برعهده گرفت.

گزارش محرمانه وزارت خارجه ایالات متحده، نشان می دهد زمانی که طالبان در حال پیش روی به سمت کابل بوده اند، مقام های این کشور تخمین های متفاوت در مورد زمان مقاومت دولت پیشین در برابر طالبان ارایه کرده اند. در گزارش گفته شده که آن ها برنامه ای برای بدترین سناریو نداشته اند و متکی بر «تضمین های» محمداشرف غنی، رییس جمهور پیشین افغانستان، بوده اند. یافته های این گزارش می رساند که رییس جمهور پیشین افغانستان به مقام های امریکایی از دفاع کابل اطمینان داده بوده است. طبق گزارش، مقام های امریکایی فکر می کردند «تمرکز بر دفاع کابل می تواند طالبان را مدتی دور نگه دارد.»

بربنیاد این گزارش، طالبان کنترل کابل را خیلی سریع تر از حد انتظار به دست گرفتند و وزارت خارجه ایالات متحده از این رهگذر «با وظیفه ای در مقیاس و

پیچیده گی بی سابقه روبه رو شده» بود. در گزارش آمده است که گستره و مقیاس این تخلیه بسیار غیرمعمول بود و از زمان خروج ایالات متحده از ویتنام در سال ۱۹۷۵، پس از چندین سال درگیری شدید نظامی و سیاسی، وضعیت قابل مقایسه ای نداشت. در گزارش گفته شده که وقتی دونالد ترمپ، رییس جمهور پیشین ایالات متحده در اوایل ۲۰۲۱ قدرت را ترک کرد، سوالات کلیدی درباره حفظ سفارت این کشور در کابل و سرنوشت متحدان افغانستان پس از خروج بی پاسخ مانده است.

براساس یافته های این گزارش، مشخص نشده است که ایالات متحده چگونه به ضرب الاجل اول ماه می ۲۰۲۱ عمل کرده است، در حالی که دولت ترمپ، یک سال قبل از این توافق خروج را با طالبان به امضا رسانده بود. در گزارش آمده است که «عقب نشینی» سریع ارتش این کشور از افغانستان، مشکلاتی را برای وزارت امور خارجه ایالات متحده به میان آورده بود. همچنان در گزارش از تصمیم دولت بایدن مبنی بر انتقال مسوولیت پایگاه هوایی بگرام به دولت پیشین افغانستان انتقاد شده و تاکید کرده که میدان هوایی کابل، تنها راه تخلیه مناسب باقی مانده بود.

در گزارش به این نکته اشاره شده که در جون و جولای ۲۰۲۱، سفارت آمریکا در کابل در مورد سقوط قریب الوقوع حکومت اشرف غنی هشدار داده بوده و دیپلمات های امریکایی خواستار تسریع روند تخلیه همکاران محلی ایالات متحده از افغانستان شده بوده اند. در خلاصه ای از بررسی وزارت خارجه ایالات متحده آمده است که جو بایدن، رییس جمهور آمریکا «روند یک تصمیم گیری سنجیده شده، سریع، دقیق و فراگیر را روی دست گرفت» اما تصمیم های رییس جمهور قبلی، این اقدام های آقای بایدن را محدود ساخته بود.

گزارش می افزاید که با تغییر اداره جدید در ایالات متحده، بسیاری از افسران کلیدی سفارت آمریکا در کابل که از بزرگترین نماینده گی های سیاسی این کشور در جهان بود، تنها چند هفته قبل از سقوط به کابل آمده بودند. در بخشی از این گزارش آمده است: «زمانی که اداره ترمپ قدرت را ترک کرد، پرسش های کلیدی در مورد این که چگونه ایالات متحده مهلت ماه می ۲۰۲۱ را تکمیل کند، بی پاسخ ماند؛ ضرب الاجل برای خروج کامل نظامی، چگونه ایالات متحده حضور دیپلماتیک خود را در کابل حفظ کند و برای کسانی که واجد شرایط برنامه ویزای مهاجرت ویژه (SIV) و همچنین سایر افغان های در معرض خطر چه باید کرد.» پس از نشر این گزارش، جو بایدن، رییس جمهور آمریکا، در یک نشست خبری در کاخ سفید صحبت کرد. در این نشست برخی از خبرنگاران در مورد خروج آمریکا از افغانستان از او پرسیدند، اما آقای بایدن به طور مشخص

به یافته های این گزارش و خروج از آمریکا اشاره ای نکرد. با این حال، نوار تصویری که از او در رسانه ها منتشر شده، نشان می دهد که او هنگام ترک نشست خبری، مجدداً برمی گردد و به پرسشی در این مورد پاسخ می دهد. رییس جمهور ایالات متحده در این نوار تصویری می گوید: «نه نه. همه شواهد در حال بازیابی هستند. یادتان است در مورد افغانستان چه می گفتم؟ گفتم القاعده آن جا نباشد. گفتم که آن جا نباشد. از طالبان کمک بگیریم. حالا چه رخ داده؟ چه می گذرد؟ رسانه خود را مرور کنید. حق با من بود.»

این سخنان او که القاعده در افغانستان حضور ندارد، مورد انتقادهای گسترده نیز قرار گرفته است. اظهارات آقای بایدن در حالی صورت می گیرد که او در ماه اسد ۱۴۰۱، گفته بود که آمریکا در عملیاتی در افغانستان ایمن الظواهری، رهبر القاعده را با یک هواپیمای بی سرنشین کشته است. در آن زمان ایالات متحده طالبان را به عدم صداقت در مبارزه با گروه های تروریستی و نقض توافق نامه دوحه متهم کرده بود.

با این حال، رحمت الله نیل، رییس عمومی پیشین امنیت ملی افغانستان، اظهارات جو بایدن در مورد همکاری با طالبان را «افشای پیش گامانه ضمایم پنهان توافق نامه دوحه» خوانده است. او با نشر توییتی گفته است: «رییس جمهور بایدن با افشای ضمایم پنهان توافق دوحه، افشاگری پیش گامانه ای انجام داده و ماهیت واقعی طالبان به عنوان گروه واگنر ایالات متحده در این منطقه را روشن می کند.»

از سوی دیگر، طالبان از این سخنان رییس جمهور آمریکا استقبال کرده اند. عبدالقهار بلخی، سخنگوی وزارت خارجه طالبان، گفته است: «ما اظهارات جو بایدن رییس جمهور ایالات متحده، در مورد عدم وجود گروه های مسلح در افغانستان را به منزله اعتراف به واقعیت می دانیم و اعلام می کنیم که گزارش اخیر تیم نظارت بر تحریم های سازمان ملل مبنی بر حضور و فعالیت بیش از بیست گروه مسلح در افغانستان را رد می کند.»

این در حالی است که کمیته تحریم های سازمان ملل متحد در چهاردهمین گزارش خود در اوایل ماه جون سال جاری میلادی، از ارتباط طالبان با شبکه القاعده و ۲۰ گروه تروریستی دیگر پرده برداشته بود. در گزارش شورای امنیت سازمان ملل گفته شده که طالبان روابط خود با القاعده را مستحکم نگه داشته اند. در گزارش شورای امنیت آمده است که ارتباط میان طالبان و شبکه القاعده و تحریک طالبان پاکستان (تی پی پی) همچنان قوی و به هم پیوسته مانده است و در حکومت طالبان «طیفی از گروه های تروریستی آزادی مانور بیشتری دارند. در گزارش شورای امنیت تاکید شده است که خطر تروریسم هم در افغانستان و هم در منطقه در حال افزایش است. این در حالی است که براساس گزارش تیم تحریم و نظارت شورای امنیت سازمان ملل، القاعده در حال بازیابی توانایی عملیاتی خویش است و در کنار آن، حدود ۲۰ گروه در افغانستان از فعالیت و آزادی رفت و آمد تحت حاکمیت طالبان برخوردارند.

هلال احمر با حمایت صلیب سرخ به یک هزار خانواده در هرات کمک نقدی توزیع کرد



۸ صبح، هرات

همزمان با گسترش دامنه فقر و مشکلات اقتصادی شهروندان کشور، ریاست هلال احمر هرات به کمک مالی کمیته بین المللی صلیب سرخ، در ولسوالی پشتون زرغون این ولایت به یک هزار خانواده مستحق و نیازمند کمک نقدی توزیع کرده است. مسوولان در اداره هلال احمر ولایت هرات می گویند که این بسته کمکی مبلغ ۳۰ هزار افغانی پول نقد را شامل می شود. این کمک ها در حالی توزیع می شود که خشک سالی و فقر زنده گی را برای مردم دشوار کرده است. مستفیدشونده گان این کمک ها از این روند استقبال می کنند و خواستار توجه بیشتر موسسه های امداد رسان به باشندگان مناطق دوردست کشور شده اند.

محمد، باشنده قریه چشمه ریگ ولسوالی پشتون زرغون، می گوید که فراهم نبودن شرایط کار سبب حاکم شدن فقر بر زنده گی آنان شده است. به گفته محمد، کمک های اخیر سبب شده است که از نگرانی های فوری در زنده گی او کاسته شود. این باشنده ولسوالی پشتون زرغون در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «زیاد

کشاورزی دارد، می گوید که امسال از شغل خود هیچ عایدی نداشته است. او که نان آور خانواده شش نفری است، به روزنامه ۸ صبح گفت: «کشت مندی گرفتم و یک سال بلایش زحمت کشیدم، اما به خاطر گی که بارنده گی نشد و به منطقه آب هم نیست، هیچ حاصل نمی دهد. دیگر کار و غریبی غیر همین کشاورزی در پشتون زرغون نیست که مصروف آن شویم. اولادک هایم گرسنه بود. خدا شاهد است که چیزی نداشتیم. کسی هم حالا قرض نمی دهد. باز مهریانی خدا شد که همین کمک های موسسه آمد و به ما ۳۰ هزار پول دادند.»

در همین حال، شماری از روسای شوراها در پشتون زرغون با ابراز خوش بینی از توزیع کمک های نقدی کمیته بین المللی صلیب سرخ به خانواده های نیازمند، می گویند که موسسه ها باید در قسمت ایجاد شغل به مردم کمک کنند؛ زیرا توزیع آرد، روغن و پول نقد کوتاه مدت است و به اقتصاد مردم کمکی نمی کند. عبدالاحد (نام مستعار) یکی از رییسان شورا در این ولسوالی است. به گفته او، موسسه های امداد رسان باید تلاش کنند تا فقر را در درازمدت ریشه کن و از این طریق برنامه های حمایتی بیشتری را محقق کنند. این رییس

شورا به روزنامه ۸ صبح گفت: «کمک ها به هر گونه که باشد، به مردم مفید است؛ اما کارهای بنیادی باید انجام شود و برای ریشه کن کردن فقر باید برنامه هایی روی دست گرفته شود. به جای توزیع پول نقد، موسسه ها می توانستند که زمینه مالداري را برای مردم فراهم کند. به هر خانواده چند تا گوسفند یا بز کمک می کردند و یا هم فارم های مرغداری ایجاد می شد.»

در همین حال، مسوولان در ریاست هلال احمر هرات می گویند که تلاش دارند تا به خانواده های بیشتری در این ولایت کمک کنند و آنان را تحت پوشش داشته باشند. این نهاد پس از توزیع کمک ها به خانواده های نیازمند در ولسوالی پشتون زرغون، از سروی ۸۰۰ خانواده نیازمند در ناحیه چهارم شهر هرات خبر می دهند و می گویند که به زودی به این خانواده ها نیز کمک توزیع می شود.

گفتنی است که پس از قدرت گیری طالبان، فقر در کشور به گونه بی پیشینه افزایش یافته است. این در حالی است که شماری از نهادهای کمک رسان نیز میزان کمک های شان را به دلایلی، از جمله دخالت طالبان در روند توزیع، کاهش داده اند.

سهم زنان از «زنده‌گه شاد» طالبان

گردن عوامل خارجی و یا دولت‌مردان فاسد گذشته بیندازند، و یا هم یک‌سره واقعیت‌های بد را انکار کنند. طالبان از هر دو روش استفاده می‌کنند. گاهی مشکلات جاری در کشور را به خارجی‌ها نسبت می‌دهند و گاهی هرچه فساد و فاجعه در جامعه است را نادیده گرفته و تصویر بسیار مثبت و خوشایند از آنچه بر مردم می‌گذرد، به‌دست می‌دهند؛ تصویری که هیچ همخوانی‌ای با وضعیت اسفبار کنونی ندارد.

تازه‌ترین نظرسنجی گالوپ نشان می‌دهد که ۹۸ درصد از شهروندان افغانستان خود را بدبخت‌ترین افراد جهان می‌دانند. اکثریت اشتراک‌کننده‌گان این نظرسنجی گفته‌اند که پس از به قدرت رسیدن طالبان، «از چیزی لذت نبرده‌اند، نکته جدیدی نیاموخته‌اند و احساس خوبی نداشته‌اند.» مطمئناً زنان در صدر این شهروندان ناراضی هستند. ملاهبت‌الله در حالی از وضعیت کنونی زنان در افغانستان ابراز رضایت می‌کند که به گزارش فارن‌پالیسی، زنان در زندان‌های طالبان مورد شکنجه و تجاوز جنسی گروهی قرار گرفته و در مواردی به‌گونه فجیع کشته می‌شوند. شماری از زنان قربانی به این رسانه گفته‌اند که طالبان به سینه و اندام تناسلی آنان می‌زدند تا نتوانند آثار شکنجه را به کسی نشان دهند.

این گزارش‌ها باید کافی باشد تا عمق فاجعه‌ای که طالبان بر سر مردم افغانستان به‌ویژه زنان آورده‌اند را درک کنیم. این وضعیت نکبت‌بار اما برای طالبان هدفی است بسیار «مقدس» که با شوروشوق تمام در حال تطبیق آن در افغانستان هستند. طالبان عزم جزم دارند تا ما را به «زنده‌گی» زیر پرچم شریعت اسلام مورد نظر خودشان ببرند نه این که فرا بخوانند. ادبیات فراخوانی با زور و قهر نظامی همراه نیست. در فراخوان‌ها از شما دعوت می‌شود بروید؛ اما شما مختارید بروید یا نه. در سبک زنده‌گی مورد نظر طالبان جایی برای اختیار نیست؛ شما جبراً به‌سوی سبک زنده‌گی مورد پسند آنان کشان‌کشان برده می‌شوید. آنان تا حالا در این کار موفقیت زیادی داشته‌اند؛ اما مقاومت مردم به‌ویژه زنان در برابر این رویکرد طالبان با تمام شکست‌ورخ‌ت‌هایش گاهی مرئی و گاهی نامرئی جریان دارد. به نظر نمی‌رسد که این مقاومت را پایانی باشد. هر قدر طالبان روند سرکوب را با شدت و حدت بیشتری دنبال کنند، به همان میزان مقاومت در برابر این گروه نیز در شکل‌های تازه و بدیع ادامه می‌یابد.

شادی طالبانی
زن محور است، اما
نه زن‌گرا. محور
اصلی ایدئولوژی‌ای
که طالبان مدافع
آن هستند، بر
زن‌ستیزی بنا یافته
است؛ زنان تا حد
ممکن باید به بند
کشیده شده و
سرکوب شوند.



مزدک پارسی

از سروصورت آنان گرفته تا سایر زمینه‌ها. آنچه این محدودیت‌ها را غیرقابل تحمل‌تر می‌کند، بحران اقتصادی و افزایش میزان بیکاری و فقر در کشور است. شهروندان در کنار تلاش سخت و جان‌فروسا برای یافتن یک لقمه نان به خود و خانواده‌های‌شان، قیود احمقانه و غیرضروری طالبان را نیز مجبورند رعایت کنند. برای این گروه مهم نیست که مردم نانی برای خوردن دارند یا نه، و یا بیکاری و فقر در چه سطحی است. از نظر رهبران این گروه روزی‌دهنده خداست و جهاد طالبان برای آن نبوده تا نان و کار مردم تامین شود. خنده‌آورتر از همه این است که رهبران طالبان تصور می‌کنند افزایش بیکاری در افغانستان تبلیغاتی است که خارجی‌ها آن را راه‌اندازی کرده‌اند. این را ملا برادر، معاون اقتصادی رییس‌الوزرای طالبان، می‌گوید؛ همویی که باید مشکلات بیکاری و فقر را حل کند.

سیاست‌بازان فاقد توان و ظرفیت برای حل معضلات اساسی مردم، به‌جای پذیرش ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود، یا تلاش می‌کنند با فرافکنی همه تقصیرها را به

است. این احکام دگم و خشک باید بدون کم‌وکسر عملی شود تا انسان‌ها به «زنده‌گی شاد» برسند. رویکرد ایدئولوژیک طالبان اما به‌حدی منحط و عقب‌مانده است که حتا بخش وسیعی از مسلمانان نه تنها آن را اصلاح‌گرانه نمی‌دانند، بلکه معتقدند که این رویه ارتجاعی، ضدانسانی و غیرقابل قبول است. با این حال، طالبان اصرار دارند که ایدئولوژی سراسر ارتجاعی و پوسیده‌شان را بر بیش از ۳۰ میلیون انسان در افغانستان موبه‌مو و بدون هیچ جرح و تعدیلی تطبیق کنند. حالا که طالبان نزدیک به دو سال است بر کشور حاکمند، به نظر می‌رسد از فاجعه‌ای که بر سر مردم آورده‌اند راضی و خرسندند. چون رهبر طالبان معتقد است که اقدامات مهمی به هدف ایجاد «زنده‌گی شاد» زیر سایه شریعت اسلام برای زنان انجام شده است.

طالبان مردان را نیز از این گونه زنده‌گی نکبت‌بار بی‌بهره نگذاشته‌اند. مردان هم مجبورند قیدوبندهای روزافزون این گروه را بر زنده‌گی‌شان تحمل کنند. محدودیت‌ها همه عرصه‌های زنده‌گی زنان و مردان را در بر می‌گیرد؛

«در حاکمیت امارت اسلامی، اقدامات لازم برای نجات زنان از ازدواج اجباری و دیگر ستم‌های سنتی از جمله بد دادن، انجام و تمام حقوق شرعی آنان تامین شده است. به‌عنوان نیمی از جامعه، اقدامات مهمی برای اصلاح زنان، حجاب، عفاف، پرهیز از اختلاط و ایجاد زنده‌گی شاد زیر سایه شریعت اسلامی صورت گرفته است.» این بخشی از پیام عیدی ملاهبت‌الله، رهبر طالبان، است. او ادعا می‌کند که «تمام حقوق شرعی» زنان در رژیم زیر اداره او تامین شده است. بلی! وقتی حقوق انسانی زنان را از آنان سلب کنید، «حقوق شرعی»‌شان بی‌هیچ عیب و ایرادی تامین می‌شود. زندانی شدن در چهاردیواری خانه، محرومیت از آموزش، کار، تفریح و ورزش، خانه‌داری، اطاعت بی‌چون‌وچرا از مردان، رعایت کامل حجاب اسلامی - در صورتی که با محرم شرعی به بیرون از خانه بروند - نداشتن حق اعتراض، بچه‌داری و فهرست درازی از محرومیت‌ها شامل «حقوق شرعی زنان» می‌شود. این همان «زنده‌گی شاد» مورد نظر رهبر طالبان برای زنان است. در این گونه از زنده‌گی تحمیلی و مدیریت‌شده، هر چیزی می‌توان یافت؛ اما شادی به‌معنای واقعی‌اش نه.

شادی طالبانی زن‌محور است، اما نه زن‌گرا. محور اصلی ایدئولوژی‌ای که طالبان مدافع آن هستند، بر زن‌ستیزی بنا یافته است: زنان تا حد ممکن باید به بند کشیده شده و سرکوب شوند. این یعنی، طالبان زنان را کاملاً جدی گرفته‌اند و می‌دانند که آنان نیمی از پیکر جامعه‌اند. ولی این نیمی از پیکر جامعه باید اصلاح شوند؛ چون آنان در جریان «بیست سال اشغال» منحرف شده‌اند. رهبران طالبان به‌عنوان مدیران پروژه توحش از راه سرکوب و در بند کردن زنان سعی دارند «اثرات منفی اشغال» بر زنده‌گی آنان را از بین ببرند. بیشتر این «اثرات منفی» غیراسلامی نیست؛ اما طالبان معتقدند که اسلام هنوز به‌گونه کامل در کشور جاری و ساری نشده و بنابراین، جامعه به اصلاح نیاز دارد. زنان هم که در صدر این برنامه اصلاحی هستند!

وظیفه هر ایدئولوژی‌ای اصلاح و تربیت انسان‌ها بر مبنای اصول و اساسات خدشه‌ناپذیر و غیرقابل تغییر

دیپلماسی و جنبش زنان

دکتر عالیبه بیلماز

جاه‌طلب که در صدد حذف بخش بزرگی از جامعه باشند، محملی برای کنش جمعی به‌گونه‌هایی مانند اعتراضات خیابانی، انقلاب و جنگ داخلی خواهد شد.

آن‌چه در امر مبارزه حقلطلبانه جنبش‌های اعتراضی زنان باید در نظر داشت، هماهنگی میان خواست‌ها و نحوه بیان آن است. مخاطبان این خواست‌ها در سطح داخلی غاضبان حقوق اساسی شهروندان و در سطح جهانی فیگورهای سیاسی بیرون از کشور است. این خواست‌ها باید مبتنی بر برنامه‌های کاری، ظرفیت‌های بالقوه زنان را در میدان (مقاومت) و در عرصه دیپلماسی (تربیب‌های بین‌المللی) به‌شکل موثر مورد استفاده قرار دهد. دیپلماسی و اعتراضات جمعی برای تامین حقوق اساسی زنان به‌مثابه دو بال مهم برای رسیدن به ارزش‌هایی همچون برابری، آزادی و عدالت اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

دیپلماسی در واقع مذاکرات و توافقات بین واحدهای سیاسی، سازمان‌های بین‌المللی و سایر بازیگران ذی‌نفع برای حمایت و تقویت جایگاه حقوق زنان است که در صورت نقض فاحش و یا تعدی از آن‌ها، نقش دیپلماسی برای اعاده و تثبیت جایگاه ارزشی آن اهمیت برجسته را به خود اختصاص می‌دهد. تلاش‌های مداوم و پی‌گیر از آدرس دستگاه‌های دیپلماتیک برای رسیده‌گی به نقض حقوق زنان و به حاشیه رانده شدن بخش بزرگی از جامعه که در روشنایی کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی به انجام می‌رسد، از جنبه‌های مثبت مبارزه زنان

از نگاه تاریخی زنده‌گی انسان در کره خاکی شاهد مجموعه گسترده از تغییرات و تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده که این نوع حرکات تاریخی به سوی آنچه مقصود است، هیچ‌گاهی بدون علت نبوده است. نیاز، نخستین دلیل و نقطه آغاز این حرکت‌ها به شمار می‌رود. شیوه و راهکار برطرف کردن نیاز در هر برهه زمانی منجر به تغییرات فرهنگی و ارزشی شده است. آن‌چه در فرایند تغییر فرهنگی-اجتماعی در درازمدت حایز اهمیت است، همانا ارزش بقا و مبارزه برای تامین حقوق اساسی در یک جامعه است که بدون شک، ظهور جنبش اعتراضی زنان در افغانستان در این مقطع حساس تاریخی حاکی از چنین مبارزه جدی و حقلطلبانه می‌باشد؛ زنانی که از بدو تسلیم‌گیری قدرت سیاسی توسط گروه متحجر و افراطی دینی-سیاسی طالبان، تمامی حقوق اساسی آنان اعم از سیاسی، مدنی، اقتصادی و... به‌شکل بی‌رحمانه و سیستماتیک محدود شده است.

جنبش اعتراضی زنان افغانستان با نظرداشت حساسیت مساله، مجادله اصل بقا را در حال تمثیل است. ارزش بقا در هر جامعه‌ای، انعکاسی از نارسایی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شامل توسعه‌نیافته‌گی، بیکاری، تورم، توسعه ناموزون، اقتدارگرایی، هویت‌خواهی، جمع‌گرایی و... است که رفتار سیاسی و اجتماعی مردم را جهت‌دهی می‌کند. نوع کردارهای سیاسی رژیم استبدادی و



داخلی (معترضان داخل کشور) و ظرفیت‌های بیرون از کشور را می‌نماید تا با درک اوضاع به‌صورت کنشی و آگاهانه بتوانند از فرصت‌های موجود بین‌المللی به نفع جنبش اعتراضی و در کل داعیه برابری جنسیتی استفاده موثر و مستدام کنند. تجربه تاریخی سایر حرکت‌های اعتراضی جهان در کشورهای دیگر نیز موید بر این امر است که آن‌ها با تقبل فراز و فرود و همچنین تمرکز بر اهداف خویش توانسته‌اند از سنگ‌زار سنت‌های دست‌وپاگیر عبور کنند. این‌جاست که اهمیت دوبعدی اعتراضات در میدان و استفاده موثر از دیپلماسی به‌عنوان دو بال پرواز به سوی اهداف کماکان مشخص می‌شود. اعتراض و کنشگری نیرویی است که موجب تغییرات اجتماعی-فرهنگی می‌شود، در حالی که دیپلماسی ابزاری مناسب و استراتژیک را برای توسعه و اجرای پالیسی‌های حقوق بشری به‌ویژه حقوق زنان فراهم می‌آورد. برای نیل به هدف، ما نیازمند اعمال همزمان اعتراضات و دیپلماسی به‌عنوان دو نیروی مکمل هم در امر تامین حقوق اساسی شهروندان هستیم.

در پنجشیر چه جریان دارد؟



مردم محل می‌گویند که هزاران نفر از جنوب افغانستان در حالی که افراد مسلح هم با خود دارند، به پنجشیر می‌آیند و بدون این‌که توجهی به حریم خصوصی خانواده‌ها یا خواست اهالی داشته باشند، وارد روستاها می‌شوند، آب‌بازی می‌کنند، میوه‌های درختان را می‌تکانند و می‌خورند، درختان اهالی را برای آشپزی قطع می‌کنند، کشت و زراعت را تخریب می‌کنند و تا هر وقت دل‌شان خواست در روستاها باقی می‌مانند.

شهراب حقیقت‌یور

پنجشیر از نظر جغرافیایی سرزمین وسیعی نیست، اما به دلیل نقش آن در تحولات چند دهه اخیر افغانستان، انگشت‌نماست و اتفاق‌هایی که در این ولایت رخ می‌دهد، ممکن است توجه بسیاری از مردم را جلب کند. پس از سقوط دولت افغانستان در ماه اسد ۱۴۰۰، پنجشیر بار دیگر خبرساز شد و بسیاری از مخالفان طالبان چشم امید خود را به این منطقه دوختند. با این حال، طالبان توانستند با برنامه‌ریزی دقیق و کار پیگیر، بساط مخالفان طالبان در این ولایت را برچینند. پس از کشته شدن فرمانده ملک و همراهانش در ارتفاعات عبدالله خیل ولسوالی دره در سنبله ۱۴۰۱، مقاومت در این ولایت فروکش کرد و فرماندهان نامدار و سربازان گمنام مخالف طالبان، به‌تدریج ساحه را ترک کردند و به کشورهای همسایه متواری شدند. اکنون ماه‌هاست که هیچ اقدامی از سوی مخالفان مسلح طالبان علیه حاکمیت این گروه در پنجشیر صورت نگرفته است. البته بعضی از قوماندانان جبهه موسوم به مقاومت گاهی با انداختن عکس‌ها یا ویدیوهایی از خود در فیسبوک اعلام حضور می‌کنند و به نوعی خود را فعال نشان می‌دهند.

زمانی که فعالیت جبهه مقاومت محسوس‌تر بود، ساکنان ملکی پنجشیر روزها و شب‌های سختی را سپری می‌کردند و جنگ‌جویان طالب، انواع فشارها را بر آنان تحمیل می‌کردند؛ از توهین و تحقیر و تجاوز به حریم خصوصی گرفته تا زندانی کردن و کشتن. اما پس از آن، رفتار طالبان نسبت به اهالی پنجشیر، در مقایسه به گذشته، اندکی فرق کرده است. با این حال، هنوز هم باشندگان پنجشیر از

محدودیت‌هایی که طالبان بر زنده‌گی آن‌ها تحمیل می‌کنند، شکایت دارند و از این‌که افراد مسلح طالبان هنوز هم روحیه جنگی دارند و رفتار درستی با مردم انجام نمی‌دهند، دچار رنج و عذابند. مسوولان طالبان در ولایت پنجشیر همواره ادعا می‌کنند که آن‌ها مردم پنجشیر را جزئی از مردم افغانستان و هموطن خود می‌دانند و بر رفتار نیکو با آن‌ها تاکید می‌کنند، اما ظاهراً گوش نظامیان طالبان، به حرف کسی بدهکار نیست و اعتنایی به درخواست‌های والی و مسوولان ولایتی پنجشیر نمی‌کنند.

زودزود تبدیل شدن دسته‌های نظامی طالبان یکی از علت‌های مشکلات مردم پنجشیر است. رهبری طالبان تصمیم گرفته نگذارد تا دسته‌های نظامی این گروه برای مدت طولانی در پنجشیر باقی بمانند. گروه‌هایی که تازه به پنجشیر می‌آیند از خشونت کار می‌گیرند و بدبینانه با اهالی رفتار می‌کنند، اما پس از مدتی رفتارشان تا حدی عوض می‌شود و اندکی مدنی‌تر می‌شوند. این دسته‌ها وقتی می‌روند و جای‌شان را به دسته‌های دیگری می‌دهند که تازه از روستاهای عقب‌مانده جنوب می‌آیند، باز همان آش است و همان کاسه. در این میان، آنچه قربانی می‌شود کرامت، عزت و آبروی مردم پنجشیر است.

در این روزها که هوا در گرم‌ترین حالت قرار دارد، مردم از شهرها و مناطق گرم‌تر به مناطق پراپ و درخت پناه می‌برند. پنجشیر یکی از مقاصد اهالی کابل برای گذراندن وقت است، اما فعلاً بیشترین کسانی که به پنجشیر برای سیر و سیاحت می‌آیند از جنوب افغانستان هستند. مردم بومی از دست آن‌ها شاک می‌اند، اما کسی به دادشان نمی‌رسد. مردم

محل می‌گویند که هزاران نفر از جنوب افغانستان در حالی که افراد مسلح هم با خود دارند، به پنجشیر می‌آیند و بدون این‌که توجهی به حریم خصوصی خانواده‌ها یا خواست اهالی داشته باشند، وارد روستاها می‌شوند، آب‌بازی می‌کنند، میوه‌های درختان را می‌تکانند و می‌خورند، درختان اهالی را برای آشپزی قطع می‌کنند، کشت و زراعت را تخریب می‌کنند و تا هر وقت دل‌شان خواست در روستاها باقی می‌مانند. کسی جرأت ندارد به آن‌ها اعتراض کند، چون ممکن است با خشونت افراد مسلح مواجه شود.

یکی از مشکلاتی که اهالی پنجشیر با آن مواجه هستند، اشغال خانه‌های آنان توسط نظامیان یا مسوولان غیربومی طالبان است. بعضی از افراد غیربومی طالبان که قرار است برای مدت طولانی در پنجشیر بمانند، خانواده‌های خود را با خود می‌آورند و به خانه‌های آن عده از اهالی که از ترس به کابل یا جای دیگر فرار کرده‌اند یا موقتاً در خانه حضور ندارند وارد می‌شوند، قفل دروازه را می‌شکنند و در آن خانه زنده‌گی می‌کنند. اصلاً توجهی هم به درخواست صاحب خانه برای تخلیه خانه نمی‌کنند. این مشکل در مناطقی که نزدیک سرک قرار دارد، بیشتر به چشم می‌خورد. با وجود درخواست مکرر اهالی از مسوولان محلی طالبان برای رفع این مشکل، هنوز هم این مشکل پابرجاست و تغییری در وضعیت رونما نشده است.

پوسته‌های نظامی طالبان که در هر قریه پنجشیر ساخته شده، بر همه چیز نظارت دارد و همه حرکات و سکنات اهالی را دنبال می‌کند. یکی از اهالی می‌گفت: «طالب هر فرد پنجشیری را بلاتشبهه مثل خدا چهارچشمه مراقب است.» مردمی که مجبورند در پنجشیر زنده‌گی کنند، برای رفتن از یک قریه به قریه دیگر احتمال دارد از هفت خوان رستم بگذرند. برای مثال، نیروهای نظامی طالبان، به اهالی اجازه نمی‌دهند کوه بروند. اهالی پنجشیر برای تهیه چوب و چراندن مواشی خود ناگزیرند به ارتفاعات بروند و در عین حال، شیر و ماست و پنیر تولید کنند. محدودیت طالبان در این زمینه موجب شده که اهالی، مواشی خود را بفروشند و اندک درآمدی را که از این بابت به دست می‌آورند، از دست بدهند.

کوچی‌ها نیز به سهم خود در آزار دادن مردم محل دخالت دارند. آن‌ها رهمه‌های خود را در مزارع و علفچرهای مردم رها و کشتزارها و علفچرها را نابود می‌کنند و به اعتراض‌ها اهمیتی قابل نمی‌شوند. از گذشته‌های دور، مناطقی مثل پنجشیر با مشکل کوچی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ اما این معضل پس از تصرف پنجشیر توسط طالبان، چند برابر افزایش یافته است. کوچی‌ها از حمایت عام و تام افراد مسلح طالبان در پنجشیر بهره‌مندند و به همین دلیل ترسی ندارند از این که به مردم محل ضرر بزنند و کشت و زراعت‌شان را از بین ببرند. آن‌ها گاهی که با اهالی مشاجره می‌کنند می‌گویند که ما برای تصرف در ملک و زمین خود از کسی اجازه نمی‌گیریم. جالب این است که طالبان به کوچی‌ها اجازه می‌دهند به ارتفاعات کوه بروند، اما برای

اهالی اجازه چنین کاری را نمی‌دهند. هنوز هم طالبان در پنجشیر به اتهام‌های بی‌بنیاد، دست به بازداشت و شکنجه اهالی پنجشیر می‌زنند. طالبان برای دریافت سلاح یا قیمت آن، بر اهالی فشار وارد می‌کنند. به علت آن که نظارتی بر کارکرد نظامیان طالبان در پنجشیر صورت نمی‌گیرد، آن‌ها احساس می‌کنند هر کاری را که دل‌شان خواست می‌توانند انجام دهند. همین اکنون، صدها جوان پنجشیری در زندان‌های مخوف طالبان، شکنجه‌های هولناک را تحمل می‌کنند. بسیاری از این جوانان پس از تحمل چندین ماه شکنجه و عذاب از بند رها می‌شوند بدون آن که بدانند بر کدام اساس به زندان کشانده شده‌اند. بعضی از فرماندهان محلی طالبان مثل حمید خراسانی، نیز متهم هستند که جوانان را بازداشت کرده و سپس در بدل پرداخت پول آنان را رها می‌کنند. هر طالبی که سلاحی دریافت می‌کند حق دارد آن را بفروشد و زنده‌گی‌اش را پیش ببرد. سلاح‌هایی که جنگ‌جویان طالبان جمع‌آوری می‌کنند، به خارج از کشور قاچاق می‌شود و به دست گروه‌های تبهکار و جنگ‌جو می‌افتد.

به علت خرابی اوضاع سیاسی و اقتصادی، ساکنان پنجشیر، همانند ساکنان سایر مناطق افغانستان، به کمک‌های خارجی وابسته‌اند. گزارش‌های متعددی وجود دارد که طالبان در روند کمک‌رسانی‌ها در پنجشیر دخالت می‌ورزند و کمک‌ها را به میل خود توزیع می‌کنند. قسمت بزرگ کمک‌ها به افراد ملکی و نظامی طالبان می‌رسد. به نظر می‌رسد که نهادهای بین‌المللی کمک‌رسان، اشکالی نمی‌بینند کمک‌های جهانی به طالبان هم برسد مشروط به این که قسمتی از آن به دیگران هم برسد. دخالت طالبان در روند کمک‌رسانی، موضوعی است که بارها در گزارش‌های نهادهای بین‌المللی به آن پرداخته شده، ولی طالبان با درک این مساله که نهادهای کمک‌رسان در هیچ شرایطی دست از کمک‌رسانی نمی‌کشند، آزادانه روند کمک‌رسانی را به نفع خود مدیریت می‌کنند.

نکته مهمی که از ذکر آن نباید غفلت ورزید این است که قادر نشدن جبهه مقاومت به تضعیف حاکمیت طالبان سبب شده که داعش تلاش بورزد با استفاده از نارضایتی مردم، عده‌ای را پیرامون خود گرد آورد. آیا این گروه می‌تواند خلای به وجود آمده از شکست جبهه مقاومت را پر کند؟ در این شکی نیست که عموم مردم روی خوشی به داعش نشان نخواهند داد چرا که تا سرحد تعصب حنفی‌مذهب هستند و با این گروه قرابت فکری ندارند؛ با آن‌هم داعش خراسان مترصد فرصت است تا در پنجشیر به هر نحوی که شده رخنه کند. تا کنون طالبان عده‌ای از مسوولان محلی خود را در پنجشیر به اتهام داعشی بودن بازداشت و روانه زندان کرده‌اند؛ از جمله رییس فواید عامه این گروه در پنجشیر و همچنین وحیدالله مبارز، فرمانده امنیت طالبان در ولسوالی شتل پنجشیر. این موضوع ثابت می‌کند که داعش بیکار ننشسته و در تلاش نفوذ در پنجشیر است. اگر رهبران و کارگزاران طالبان نتوانند رضایت مردم را جلب کنند و رویه و رفتار خود را با اهالی تعدیل کنند، احتمال دارد داعش نفوذ خود را بیشتر کند.

گرمی ۵۰ درجه‌ای و جهنم محبس نیمروز؛ خانواده‌ها از وضعیت بد زندانیان نگرانند

شمار زیادی از خانواده‌های زندانیان که برای ملاقات به محبس نیمروز رفته‌اند، وضعیت آنان را بد توصیف می‌کنند. به گفته خانواده‌ها، در حالی که درجه حرارت هوا به ۵۰ درجه رسیده است، زندانیان در نیمروز هیچ‌گونه امکانات سرمایشی ندارند و در هر اتاق بالاتر از ظرفیت گنجایش زندانی جابه‌جا شده‌اند. براساس معلومات، زندانیان در محبس نیمروز به نان درست دسترسی ندارند و در دو وقتی که به آنان نان داده می‌شود، سیر نمی‌شوند. خانواده‌های زندانیان وضعیت آنان را اسف‌بار بیان می‌کنند و نگرانند که با چنین وضعیتی، امکان از بین رفتن شمار زیادی از زندانیان وجود دارد.

ادامه در صفحه ۷

قضایا از نظر بیشتر رسانه‌ها پنهان مانده است و طالبان نیز در مورد آن خاموشی اختیار کرده‌اند. نیمروز، از ولایت‌های حوزه جنوب‌غرب کشور، این روزها گرم‌ترین نقطه افغانستان است. نداشتن فضای سبز و جنگلات، کمبود آب، ریگ‌زارهای فراوان و سرانجام دمای ۵۰ درجه سانتی‌گراد، مردمان این ساحه را با وجود داشتن وسایلی از جمله کولر و پکه، نگران کرده است. در این میان، در گوشه‌ای از شهر زرنج محبس ولایتی نیمروز قرار دارد که براساس گفته‌های منابع، حدود ۷۰۰ تن در آن زندانی هستند. تعداد انگشت‌شماری از این افراد به دلایل و اتهامات مشخص در زندان به سر می‌برند، اما هنوز دلایل زندانی شدن شمار زیادی از آنان مشخص نیست و هنوز هیچ پرونده‌ای بابت اثبات اتهام وارده علیه آنان شکل نگرفته است.



نمی‌شود. در کنار این معضل، آنان آب کافی نیز ندارند و با یک آفتابه یا بشکه آب در روز زنده‌گی می‌کنند. این در حالی است که براساس معلومات منابع، در روزهای اخیر شماری در این زندان به‌گونه مرموز جان باخته‌اند. این

۸صبح، نیمروز

همزمان با تبدیل شدن نیمروز به گرم‌ترین نقطه در افغانستان، بسته‌گان زندانیان محبس این ولایت از شرایط موجود در زندان به شدت شکایت دارند. به گفته آنان، در شرایطی که اتاق‌های زندان تنها گنجایش پنج تا شش نفر را دارد، ۱۵ تا ۱۶ نفر در یک اتاق جابه‌جا شده‌اند که ۷۰۰ تن چنین وضعیت را تحمل می‌کنند. شماری از این زندانیان که بیشترشان در ایران یا هنگام سفر به ایران بازداشت شده‌اند، گفته‌اند که به جای یک روز زنده‌گی در زندان نیمروز، حاضرند سال‌ها زندان ایران را سپری کنند. زندانیان این زندان به بسته‌گان‌شان گفته‌اند که از طرف روز به وسایل سردکننده دسترسی ندارند و نان کافی نیز به آن‌ها داده



پرتو نادری

بخش دوم

بخشی از رباعی‌های شیخ فریدالدین عطار در «مختارنامه» به‌گونه شگفت‌انگیزی با اندیشه‌های حکیم عمر خیام پیوند و هم‌گونی دارد. چنان‌که می‌اندیشی عطار در این گونه رباعی‌ها، خود یک خیام دیگر است؛ هم‌سو با او گام بر می‌دارد و گویی روایت آن «بیننده پاک» در الاهی‌نامه را فراموش کرده است.

این دسته از رباعی‌های عطار اگر به‌گونه جداگانه چاپ شود خود کتابی می‌شود بی‌تردید چند برابر بزرگ‌تر از کتاب رباعیات خیام. رباعی‌های عطار را از نظر هم‌گونی‌های محتوایی با رباعی‌های خیام در گام نخست می‌توان به دو بخش دسته‌بندی کرد:

۱. رباعی‌هایی که با اندیشه‌های خیام هم‌گونی دارند. این هم‌گونی در رباعی‌های هر دو شاعر محتوای یگانه‌ای را به‌وجود می‌آورد. این هم‌گونی محتوایی، بیش‌تر در آن رباعی‌های عطار بازتاب دارد که او به بیان راز آفرینش، مرگ، زنده‌گی و خوش‌باشی پرداخته است.

عطار و شناخت هستی

عطار در پاره‌ای از رباعی‌های خود که می‌خواهد به بیان راز پیدایی هستی بپردازد، شاعری است خیامی تا عارف. او در چنین رباعی‌هایی با خیام از یک پنجره به‌سوی هستی و راز پیدایی آن نگاه می‌کند.

هم عقل در این واقعه مضطر افتاد

هم روح ز دست رفت و بر سر افتاد

گفتم که گشایم این گره در سی سال

بود آن گره و هزار دیگر افتاد

مختارنامه، ص ۱۳۹

عطار، خرد انسان را در شناخت و چگونگی پیدایی این «واقعه» بی‌چاره و ناتوان می‌یابد. «واقعه» این جا اشاره به پیدایی هستی است. این واقعه همان رویدادی است که سبب پیدایی جهان شده است. این رویداد چگونه رخ داده است؟ پرسشی که عقل در پاسخ آن بی‌چاره می‌شود. با این حال او باور دارد که جهان در پی رویدادی هستی یافته است.

البته در قرآن، سوره واقعه در بیان روز رستاخیز یا قیامت آمده که روز پایان جهان است. در این رباعی کاربرد اسم اشاره «این» نشان می‌دهد که عطار به واقعه پیدایی جهان اشاره دارد، نه روز رستاخیز.

گره، همان پرده اسرار است، همان راز ناگشوده هستی است که انتهایبی ندارد. جهان همه‌اش گره در گره است. گره‌های بی‌پایان. یکی را که بکشایی با گره دیگری روبه‌رو می‌شوی و این جهان گره در گره را گویی پایانی نیست و انسان نمی‌تواند به گره آخر برسد.

قومی ز محال در جنون افتادند

قومی ز خیال سرنگون افتادند

از پرده غیب هیچ کس آگه نیست

هر یک به رهی دگر برون افتادند

مختارنامه، ص ۱۳۸

این رباعی شیخ عطار با این رباعی خیام: «قومی به گمان فتاده در راه ققین»، مضمون یگانه‌ای دارد. یا جای دیگر می‌گوید: «اسرار ازل را نه تو دانی و نه من.»

موضوع همان شناخت راز پیدایی هستی است.

قومی ز محال در جنون افتاده، یعنی انسان یا گروهی در شناخت این پرده غیب هر قدر هم که شیفته‌گی داشته باشند، هر قدر هم که بکوشند، بی‌چاره و ناتوان هستند.

قومی دیگر هم که خیال می‌کنند، چیزی از آن سوی پرده غیب می‌فهمند، چیزی نمی‌فهمند؛ بلکه سخن از سرنگونی خیال خود می‌گویند. به زبان دیگر همه چیز را سرچپه می‌بینند. همان سخن خیام است: «هر کس سخنی از سر سودا گفتند/ازان روی که هست کس نمی‌داند گفت.»

جان گرچه در این بادیه بسیار شتافت

مویی بندانست و بسی موی شکافت

گرچه ز دلم هزار خورشید بتافت

اما به کمال ذره‌ای راه نیافت

مختارنامه، ص ۱۳۹

این رباعی با تفاوت اندکی، در «سخنان منظوم» ابوسعید

خیام در مختارنامه

ابوالخیر نیز آمده است که پیش از این در پیوند به این رباعی سخن گفتیم.

تا عالم جهل خود نگردی به نخست

هر اصل که در علم نهی نیست درست

ای بس که دلم دست به خونابه بشست

در حسرت نیافت و نیافت آنچه بجست

مختارنامه، ص ۱۳۹

نکته بزرگی در این رباعی عطار وجود دارد. چه درد بزرگ و چه بدبختی بزرگ است که نادانی برخیزد و بخواهد مردم را به‌سوی دانایی رهنمایی کند. تا زمانی که کسی یا گروهی درد تاریکی ذهن خود را و درد نادانی خود را درمان نکنند، هر سخن که از دانایی به میان آورند سخن دانایی نیست، سخن دانش نیست، سخن روشنایی نیست؛ بلکه سخن نادانی است و سخن تاریکی است. سخن تاریکی، سخن حقیقت نیست.

تا کی باشم گرد جهان در تک و تاز

بر هیچ نه قطع می‌کنم شب و فراز

چیزی که فلک نیافت در عمر دراز

من می‌طلبم ز کجا یابم باز

مختارنامه، ص ۳۴۹

عطار، این جا تلاش انسان برای شناخت جهان و راز آفرینش را امر بیهوده می‌پندارد. یعنی انسان با این همه تلاش، با این همه تک‌وتاز نمی‌تواند جهان را آن گونه که هست بشناسد. یا شناخت او در این پیوند به نهایت خود برسد.

او می‌گوید: فلک که در این همه عمر دراز به چنین رازی پی نبرده، انسان با این عمر کوتاه خود چگونه می‌تواند به آن پی ببرد. عطار به بی‌نهایت بودن شناخت هستی اشاره دارد.

او از تلاش انسان در امر شناخت هستی سخن می‌گوید؛ اما شک دارد که انسان بتواند به آن دست یابد. او شناخت انسان از هستی را قطره‌ای می‌داند نسبت به دریا.

زنده‌گی، مرگ و خوش‌باشی

مرگ و ناپایداری جهان، مضمون برخی از رباعی‌های دیگر عطار است. با این وجود در رباعی‌هایی که او چنان شاعر مرگ‌اندیش پدیدار می‌شود، از ناامیدی سخن نمی‌گوید؛ بلکه مرگ را سرنوشت گریزناپذیر آدمی بیان می‌کند. ما را به چله‌نشینی و ترک لذت‌های جهان فرا نمی‌خواند.

از زیبایی‌های زنده‌گی می‌گوید و از لحظه‌هایی که انسان در اختیار دارد که باید با خوشی و شادکامی سپری کند. بدین‌گونه در این دسته از رباعی‌های عطار، سه ضلع نامتجانس و ناهمگون یعنی مرگ، زنده‌گی و شاد زیستن، مثلث محتوای رباعی او را می‌سازد.

چنین رباعی‌های عطار مانند رباعی‌های خیام تنها یک رشته محتوایی ندارند، بلکه ابعاد گوناگون زنده‌گی، مرگ و خوش‌باشی، محتوای رباعی‌ها را می‌سازند.

تا بحث مرگ به میان می‌آید، بحث زنده‌گی را با خود دارد و به همین گونه بحث زنده‌گی با بحث مرگ می‌آمیزد. در میانه همان شاد زیستن است. همان دمی که انسان در اختیار دارد و نباید آن را به رایگان از دست داد.

عطار در پاره‌ای از رباعی‌های خود مرگ و زنده‌گی را دو مفهوم به هم پیوسته می‌داند. یعنی مرگ سایه همیشگی زنده‌گی است. به زبان دیگر، مرگ در زنده‌گی ما جریان دارد.

مرگ‌اندیشی‌های عطار

مرگ همزاد جاودانه زنده‌گی است. از همان لحظه‌ای که کودکی به دنیا می‌آید و یا یک موجود زنده هستی پیدا می‌کند، مرگ نیز با او به‌دنیا می‌آید. پس از مرگ گریزی نیست. دشمنی است که همیشه شانه‌به‌شانه با زنده‌گی راه می‌رود و زنده‌گی هم نمی‌تواند او را از خود دور کند. برای آن که بدون مرگ زنده‌گی مفهوم خود را از دست می‌دهد.

مرگ برای آنانی که در آن سوی هستی چیز دیگر را نمی‌بینند، نقطه انجام همه چیز است. همه چیز با مرگ متوقف می‌شود. عشق، عاطفه، زمان، درد، رنج و آرزوها و هوس‌هایی که پیوسته انسان را به هر سویی می‌کشیدند، همه به نقطه انجام می‌رسند.

پیش از این چند بار اشاره‌هایی داشتیم در پیوند به این که اهل عرفان چگونه به مرگ، عارفانه و عاشقانه نگاه می‌کنند و با این نگاه چگونه از مرگ، بی‌هراس می‌شوند و بی‌هیچ افسوس و دریغی مرگ را عاشقانه در آغوش می‌گیرند. چون آنان مرگ را نیستی نمی‌دانند؛ بلکه مرگ را دروازه‌ای می‌دانند که از آن می‌گذرند و به آن هستی جاوید می‌رسند.

مولانا، در یکی از غزل‌هایش همه هستی را در آن سوی مرگ می‌بیند. زنده‌گی را چنان زندانی می‌داند که ما در این زندان اسیریم. تیشه‌ای باید گرفت و حفره‌ای در زندان پدید آورد و آزاد شد.

ما از حفره زندان بیرون می‌شویم. آزاد می‌شویم. این حفره مرگ است که به گفته مولانا نه تنها ما را به آزادی می‌رساند؛ بلکه به شاهی و امیری نیز می‌رساند.

عارفان این گونه به مرگ نگاه می‌کنند و چنین است که از مرگ هراس و دریغی ندارند.

بمیرید بمیرید در این عشق بمیرید

در این عشق چو مردید همه روح پذیرید

بمیرید بمیرید و زین مرگ مترسید

کز این خاک برآیید سماوات بگیرید

بمیرید بمیرید و زین نفس برید

که این نفس چو بندست و شما همچو اسیرید

یکی تیشه بگیرید پی حفره زندان

چو زندان بشکستید همه شاه و امیرید

بمیرید بمیرید به پیش شه زیبا

بر شاه چو مردید همه شاه و شهیرید

بمیرید بمیرید و زین ابر برآیید

چو زین ابر برآیید همه بدر منیرید

کلیات دیوان شمس، صص ۲۶۰ - ۲۷۰

نگاه عطار به مرگ در پاره‌ای از رباعی‌هایش در مختارنامه هیچ‌هم‌خوانی با نگاه مولانا ندارد؛ بلکه بیش‌تر و بیش‌تر با اندیشه و فلسفه خیام هم‌خوانی دارد و حتا یکی می‌شود. عطار در پیوند به مرگ و زنده‌گی، بی‌ثباتی جهان، ناتوانی انسان در برابر جبر و تقدیر به همان نتیجه‌هایی می‌رسد که خیام رسیده است. ما را به خوش باشی فرا می‌خواند. گویی عطار این جا با تصوف و عرفان میانه‌ای ندارد.

آن لحظه که از اجل گریزان گردیم

چون برگ ز شاخ عمر ریزان گردیم

عالم ز نشاط دل به غریال کشید

زان پیش که خاکِ خاک‌بیزان گردیم

مختارنامه، ص ۲۹۸

در میان مردم مثلی وجود دارد که می‌گوید: خاکش را به غریال می‌کشم. یا خاکش را به توبره می‌کشم. یعنی تمام هستی‌اش را برباد می‌دهم، چیزی به‌نام هستی برایش نمی‌گذارم تا بار دیگر زنده‌گی‌اش رنگ گیرد.

خاک زنده‌گی را به غریال کشیدن، یعنی چنان با نشاط و کامگاری باید زنده‌گی کرد که آرمانی بر جای نماند. برای آن که مرگ دیر یا زود ما را به خاک بدل می‌کند و ما خاک خاک‌بیزان خواهیم شد.

بر آب روان و سبزه شمع طراز

می‌در ده و توبه بشکن و چنگ بساز

خوش باش که نعره می‌زند آب روان

می‌گوید که رفتم دگر نایم باز

مختارنامه، ص ۲۹۷

این آب روان مصداق ناپایداری و گریزنده‌گی زنده‌گی است، رفتنی که بازآمدنی ندارد. کنایه از مرگ است.

از واقعه روز پسین می‌ترسم

وز حادثه زبر زمین می‌ترسم

گویند مرا کز چه سبب می‌ترسی

از مرگ گلوگیر چنین می‌ترسم

مختارنامه، ص ۱۹۱

این رباعی که حال و هوای شاعرانه خوبی هم ندارد، بازتاب‌دهنده گونه‌ای مرگ‌هراسی است. در حالی که عارف هراسی از مرگ ندارد.

چون رفت ز جسم جوهر روشن ما

از خار دریغ پُر شود گلشن ما

بر ما بروند و هیچ کس شناسد

تا زبر زمین چه می‌رود بر تن ما

همان، ص ۱۹۵

عطار این جا پریشان مرگ است و پریشان پوسیدن خود در زیر زمین. دریغ و افسوس دارد که مرگ او را به زیر زمین می‌کشد و آنانی که بر روی زمین هستند نمی‌دانند که در زیر زمین بر او چه می‌گذرد.

این در حالی است که عارف مرگ را چنان پلی می‌داند که باید از آن گذشت تا به آن هستی همیشه‌گی رسید. مرگ از نظر عارف نیستی نیست؛ بلکه رسیدن به هستی است. عطار گاهی هم به مرگ خود افسوس می‌خورد، همان گونه که خیام بار بار از مرگ با افسوس و دریغ یاد کرده

است. دریغی خیام پرسشی ندارد، چون در آن سوی مرگ، خود را در هیچستانی می‌یابد و سفر او از خانه گور آن‌سوتر نمی‌رود؛ اما عطار با دنیای عرفانی‌ای که دارد چرا به مرگ خود افسوس می‌خورد.

افسوس که ناچار بمی‌باید مرد

در محنت و تیمار بمی‌باید مرد

چون دانستم که چون همی باید زیست

دل پر حسرت زار بمی‌باید مرد

همان، ص ۱۹۳

عارف از مرگ نه شکایتی دارد نه هم افسوس و دریغی؛ اما عطار در چنین رباعی‌هایی که شمارشان هم کم نیست، افسوس و دریغی بسیاری دارد که گاهی با ترس می‌آمیزد. عطار در پاره‌ای از رباعی‌های خود در مختارنامه یک خیام دیگر است. یا می‌شود گفت که ادامه خیام است. گویی خیام بار دیگر در هستی عطار زنده شده است. او با چنین رباعی‌هایی در مختارنامه یک شاعر خیامی است نه یک شاعر عارف.

دیدی تو که محنت‌زده و شاد بمرد

شاگرد به خاک رفت و استاد بمرد

آن دم مردی که زاده‌ای از مادر

این مایه بدان که هر که او زاد بمرد

مختارنامه، ص ۱۸۳

مرگ با هر انسانی و با هر موجود زنده‌ای به دنیا می‌آید و در تمام زنده‌گی با انسان است. مرگ همزاد انسان و سرنوشت انسان است.

ای رفته و ما را به هلاک آورده

وان سرو بلند در مغاک آورده

بر خاک تو ماهتاب می‌تابد و تو

آن روی چو ماه را به خاک آورده

مختارنامه، ص ۲۰۲

از کوتاهی زنده‌گی و بی‌وفایی زنده‌گی مویه می‌کند. انسان رو به مغاک می‌برد. مغاک یعنی گور؛ اما ماه همچنان می‌تابد. بی‌آن که به تو فکر کند.

بی روی تو در ماه سیاهی آمد

مرگت به جوانی و پگاهی آمد

خفتی نه چنان نیز که بر خواهی خاست

رفتی نه چنان که باز خواهی آمد

مختارنامه، ص ۲۰۰

وقتی عزیزی را مرگ از ما می‌گیرد مانند آن است که همه چیز را سوگوار می‌بینیم. گویی سوگواری ما در همه چیز نفوذ می‌کند. عطار این جا مرگ را به خوابیدنی تشبیه می‌کند که بیداری در پی ندارد. سفری است که برگشتی ندارد. آن گونه که خیام می‌گوید: «باز آمدنت نیست چو رفتی رفتی.»

ای دل چو در این راه خطرناک شوی

از کار زمین و آسمان پاک شوی

مهتاب بتافت، آسمان سیر ببین

زان پیش که در زیر زمین خاک شوی

همان، ص ۲۹۷

«راه خطرناک»، راه آدمی به‌سوی مرگ است. انسان ناگزیر است که این راه خطرناک را پشت سر گذارد. چون کسی به مرگ می‌رسد دیگر زمین و آسمان برای او مفهومی ندارد. همه چیز برای او پایان می‌یابد. پس بهتر است پیش از آن که در زیر زمین خاک شویم، در شب‌های مهتابی با تماشای چهره ماه و آسمان، با شادمانی زنده‌گی کنیم.

به گفته خیام: «می‌نوش به ماهتاب ای ماه که ماه/بسیار بتابد و نیابد ما را». عطار در پاره‌ای از رباعی‌هایش به همان هیچ‌انگاری‌ای می‌رسد که عمر خیام رسیده است.

ای دل دیدی که هرچه دیدی هیچ است

هر قصه دوران که شنیدی هیچ است

چندین که زهر سوی دویدی هیچ است

و امروز که گوشه‌ای گزیدی هیچ است

همان، ص ۱۲۰

ای بود تو پیوسته بنابود آخر

تا کی باشی به هیچ خشنود آخر

از هیچ پدید آمده‌ای اول کار

گرچه همه‌ای، هیچ شوی زود آخر

همان، ص ۱۲۰

عطار در مختارنامه، در باب بیست و پنجم زیر نام «در مرائی رفته‌گان» چهل و یک رباعی دارد، آمیخته با بینش‌های فلسفی، افسوس، درد و دریغ بسیار. هر کدام مرثیه‌ای است برای آنانی که مسافر راه دراز مرگ شده‌اند.

گرمی ۵۰ درجه‌ای و...

محسن، باشنده نیمروز، که برای دیدن پسر خاله‌اش به محبس این ولایت رفته است، می‌گوید که زندانیان زنده‌گی دشواری را سپری می‌کنند. به گفته محسن، نبود نان مناسب و آب کافی برای زندانیان همزمان با گرم شدن بی سابقه هوا، از مشکلاتی است که نگرانی جدی را برای خانواده‌های زندانیان خلق کرده است. او به روزنامه ۸ صبح گفت: «از روزی که به دیدن پسر خاله خود رفتم، تا حالا به فکر او هستم که چطور در محبس زنده‌گی می‌کند. اتاق‌های‌شان پنج تا شش نفر گنجایش نداشت، اما ۱۵ تا ۱۶ نفر را به یک اتاق [جابه‌جا] کرده‌اند و آن هم که هیچ وسایل سردکننده در اتاق‌های‌شان وجود ندارد.»

محسن در ادامه چشم‌دید خود از وضعیت زندان را بیان کرد. او افزود: «در مدتی کمتر از یک ساعت که بودم، خدا شاهد است که صحنه‌های دلخراش دیدم. به داخل اتاق زندانیان از تاثیر گرمی ضعف می‌کردند. باز آن‌ها را از اتاق بیرون می‌کردند تا به هوش بیایند. گرمی هوای نیمروز بالای ۵۰ درجه است. ۱۵ نفر را به یک اتاق حبس کرده‌اند که نه شکم‌شان سیر است و نه برق درست دارند. فقط هر اتاق یک پکه است که آن هم از طرف روز خاموش و شب‌ها روشن است. آن هم کند می‌گردد، به خاطری که برق ضعیف است. خدا شاهد است که بسیار وضعیت بدی را دیدم.»

سلیم، باشنده ولسوالی چهاربرجک نیمروز، می‌گوید که به‌تازگی یکی از نزدیکانش از زندان ایران به زندان نیمروز منتقل شده و او به ملاقاتش رفته است. سلیم به نقل از این زندانی می‌گوید که زندانیان شرایط مناسبی ندارند و در جهنم زنده‌گی می‌کنند. به گفته سلیم، این زندانی به وی گفته است که به جای یک شب زندانی بودن در نیمروز، حاضر است که چهل سال در ایران زندانی باشد.

سلیم به روزنامه ۸ صبح گفت که زندانیان از هوای گرم شاکی‌اند و هیچ‌گونه وسایل سردکننده مفید در اختیارشان قرار ندارد. همچنان این زندانیان آب کافی برای نوشیدن و حمام ندارند. به گفته سلیم، زندانیان به یک بشکه یا یک آفتابه آب بسنده می‌کنند. او افزود: «بسیار وضعیت خرابی دارند. نه خرج و خوراک درست دارند و نه از آب سیر می‌شوند. کلان‌زندان‌ها هم می‌ریخته‌اند. وقتی من رفتم و دیدم، حالم به‌هم خورد که این‌ها چگونه زنده‌گی می‌کنند. در یک شبانه‌روز به زندانی‌ها چاشت و شب نان می‌دهند. از صبح هیچ خبری نیست. باز چاشت و شب هم کاش شکم آن‌ها را سیر کنند، فقط همین قدر می‌دهند که از گرسنگی نمیرند، آن هم زیادتر وقت‌ها شوربای کچالو است. هفته‌ای یک بار یا دو بار اگر گوشت مرغ بدهند.»

اقارب و نزدیکان شمار اندکی از زندانیان در حالی به دیدار زندانیان به محبس نیمروز رفته‌اند که شمار زیادی از زندانیان با وجود گذشتن یک سال یا بیشتر، هنوز موفق به دیدن بسته‌گان‌شان نشده‌اند. به گفته منابع، شمار زیادی از زندانیان محبس نیمروز را کسانی تشکیل می‌دهند که در ایران یا هنگام رفتن به سمت ایران، در مسیر راه بازداشت شده‌اند. منابع تصریح می‌کنند که تا کنون برای این افراد هیچ پرونده‌ای تشکیل نشده است.

پیش از این، شماری از زندانیان در محبس نیمروز به‌گونه مرموز جان باخته بودند. با این حال، این رویداد در سطح رسانه‌ها پوشش نیافت و هیچ نهادی نیز به تحقیق در مورد آن اقدام نکرد. منابع در ۸ ثور سال روان به روزنامه ۸ صبح گفتند که دو زندانی زندان نیمروز به‌گونه مرموز در چاه فاضلاب جان باخته‌اند. گفتنی است که هویت این زندانیان مشخص نشده و طالبان نیز در این مورد خاموشی اختیار کردند.

«دستم تنگ است و دسترخوانم خالی، اما مجبورم در عیدها قربان بگیرم»



عایشه خراسانی

مینا، یک نمونه از هزاران زن رنج‌دیده‌ای است که چرخه خشونت بر زنده‌گی‌شان پیچیده است. او که در جوانی شوهرش را از دست داده است، حال مجبور است زیر یوغ ستم مردان خانواده شوهرش زنده‌گی کند.

می‌نشینم و به چرخه‌های زنده‌گی او که در هر دوره‌ای مینا را با خودش رقصانده گوش می‌دهم. مینا تازه کش‌وقوسی در اندامش نمایان شده بوده که ازدواج می‌کند. با شوهرش در کندز که وظیفه اجرا می‌کرده، زنده‌گی می‌کند. شوهرش در ارتش وظیفه داشت. مینا که یادآوری آن لحظات برایش رنج‌آور است، با بغضی که بر گلویش نشسته می‌گوید: «مه تازه ازدواج کرده بودم و یک ماه بعد از عروسی‌مان، رفتیم کندز. اونجا خانه گرفته بود. جایی که ما زنده‌گی می‌کردیم، امن نبود. هر شب جنگ بود و شوهرم به‌ندرت خانه می‌آمد. بسیار شب‌ها را تا صبح بیدار می‌ماندم. با هر صدای فیر از جایم تکان می‌خوردم. تا خانه می‌آمد و یا زنگ می‌زد برم، دلم ناآرام می‌بود.» شوهر مینا در یکی از شب‌ها که جنگ در می‌گیرد، نزدیک به هشت ساعت در پوسته با پنج تن از دوستانش می‌جنگد. مینا می‌گوید که در آن مدت هیچ کمکی برای‌شان نرسیده بود، ورنه شاید حالا زنده بود.

وقتی شوهر مینا می‌میرد، خسروش او را گرفته به خانه خود می‌آورد. در این خانه، مینا با برادران شوهرش یک‌جا زنده‌گی می‌کند؛ اما نه مثل آن‌ها. در حالی که ایوانانش خانه‌های لوکس با فرش و ظرف منظم دارند و فرزندان‌شان هم آراسته هستند، مینا در کنار طوبله‌خانه در خانه کاهگلی زنده‌گی می‌کند که حتا فرش مناسب زیر پایش ندارد. مینا درباره تامین خرج و مصارف خانه و گذران زنده‌گی‌اش می‌گوید: «خانه کندز را خسرم فروخت و برم گفت که پول آن را خرج اولادهایم می‌کند. من دیگر رنگ او پول و پیسه را ندیدم. شوهرم هم اگه پولی پس‌انداز کرده

بود، به من نرسید. مرا این جا پیش خود آوردند تا سرمایه و ارث شوهرم به این‌ها برسد. حال همین یک گاو را دارم که خرج روزانه را می‌کشد. خسرم کمی زمین دارد و گاهی که حاصل آن را بگیرند اندکی به من هم می‌دهند.»

بعد از مرگ شوهرش به هیچ محفل عروسی نرفته است و کمتر پیش آمده که در مجلسی با صدای بلند بخندد. با لحن شوخی آمیزی از مینا می‌پرسم که مگر خندیدن را دوست ندارد؟ سری تکان داده، ابروهایش را بالا می‌کشد و با صدایی که غرق تعجب است پاسخ می‌دهد: «کی دوست نداره بخندد؟ من هم خوش ندارم یک گوشه‌گک باشم و کل عمرم را برای شوهرم ماتم بگیرم. اما چه کنم که دست‌وپایم بسته است.» او اشاره به آن سمت حویلی که خانه خسران‌ش هست، می‌کند: «از وقتی آوردم چند قانون را برم گفتند که اگر همان‌طور رفتار نکنم، مثل ازی می‌مانه که تف به روی شوهرم کرده باشم.» مینا را وقتی خسروش می‌آورد خانه خودش از او می‌خواهد که «مثل بیوه‌ها» باشد. مینا با سوزی که در سینه‌اش نشست، حرف آن‌ها را این‌گونه نقل می‌کند: «بیوه شدی، حال دگه مثل بیوه زن رفتار کن.» مینا از حرف خسروش چیزی نمی‌فهمد؛ اما مادرشوهر/خسروش او تمام رسوم را برایش می‌گوید. به مینا دیکته می‌کنند که لباس روشن نپوشد، به عروسی‌ها نرود، چشم به مرد دیگری نداشته باشد و از خانه بدون ضرورت پا به بیرون نگذارد. این رسومی که دست‌وپای مینا را بسته و امکان زنده‌گی آسوده و انسانی را از او دریغ کرده، فلسفه پشت صفت‌هایی است که مردم از او می‌کنند. مردم نمی‌دانند که مینا چه عذاب‌هایی را تحمل می‌کند، و برای این که شنگ چادرش را کسی نبیند، چه دست‌هایی سرش بالا شده است.

در کنار تمام آن قیود، مینا مجبور است در هر عید قربان، حیوانی را به قربانی بگیرد. خسروش به او گفته است که این کار سبب می‌شود، روح پسرش شاد شود. مینا می‌گوید: «من همیشه به شوهرم دعا می‌کنم. اگه پولدار بودم به نامش خیرات می‌کردم. ولی چه کنم که دستم تنگ است و دسترخوانم خالی، اما مجبورم در عیدها قربانی بگیرم. نگیرم خسرم از این خانه خاد بیرون انداختم. من از شیرینی که می‌فروشم، روزانه اندکی پولش را در کوزه به قربانی جمع می‌کنم.» حیوان قربانی را مینا از پول پس‌انداز خودش می‌خرد، اما گوشت او حیف میل مردم و خسران‌ش می‌شود. مینا می‌گوید: «ایوره‌ایم پیسه دارند اما یگان بار قربانی می‌کنند. باز قربانی که به‌نام شوهرم است را به خودشان و به مردم تقسیم می‌کنند و گوشت ناچیزی از او به ما می‌ماند.»

مینا، یک نمونه از هزاران زن رنج‌دیده‌ای است که چرخه خشونت بر زنده‌گی‌شان پیچیده است. او که در جوانی شوهرش را از دست داده است، حال مجبور است زیر یوغ ستم مردان خانواده شوهرش زنده‌گی کند. او برای خودش لباس نخریده و روسری کهنه‌اش را دورش پیچانده؛ ولی به‌نام شوهرش قربانی گرفته است تا خسران‌ش او را از حویلی بیرون نیندازند.

یک روز مانده به عید قربان، در روز عرفه دروازه یک حویلی را تک‌تک می‌زنم که در گوشه مخروبه آن، زنی با چند فرزندش زنده‌گی می‌کند. در قسمت بالایی حیاط، خانه بزرگ با رنگ و ساخت قشنگ نمایان است و در قسمت پایینی آن کنار طویله دو اتاق کوچک پخسه‌ای است که مینا (نام مستعار) با فرزندانش آن‌جا بودباش دارد. شوهر مینا چند سال پیش وقتی در ارتش بود، در ولسوالی امام‌صاحب کندز توسط طالبان کشته می‌شود. غم زنده‌گی و سختی روزگار مینا را چنان مچاله کرده است که به سختی آدم باورش می‌شود که این زن هنوز سی‌ساله نشده است. او در شرایطی به‌سر می‌برد که به سختی مصارف روزانه فرزندانش را تامین می‌تواند. در حالی که مردم محله می‌گویند که هیچ عید قربان نبوده که مینا قربانی نکرده باشد. در این عید هم او یک بز را برای قربانی گرفته است که با توجه به وضعیت زنده‌گی‌اش چندان به‌جا به‌نظر نمی‌رسد. همه‌گی از مینا به نیکی یاد می‌کنند و القایی چون «زن پرهیزکار» و «زن باخدا» به او داده‌اند. مینا را به‌خاطر این که در جوانی، بعد از مرگ شوهرش، ازدواج دوم نکرده، مردم ستایش می‌کنند. وقتی دلیل این گونه تعریف کردن‌شان را می‌پرسم، می‌گویند که «چند سال از شهادت شوهرش می‌گذره، اما او به یک تا پنجیش دلش را خوش گرفته و پشت شوی نگشت.» همچنان وقتی مردم می‌بینند که با وجود تنگدستی‌اش، همه‌ساله قربانی می‌گیرد، به او کف می‌زنند و او را «زن نمونه» در دین‌داری می‌خوانند.

اما این که پس پرده این همه جریانات چیست را فقط مینایی می‌داند که به‌قول زن‌های محله «بی‌بی هفت پرده‌ای» است و کمتر بیرون می‌براید، کمتر می‌خندد، به عروسی‌ها نمی‌رود و لباس‌های پرزرق‌وبرق نمی‌پوشد. مینا را همان‌طور که در موردش شنیده بودم، می‌بینم: زن لاغراندام و گندم‌گون. او چادری به سرش دارد که شانه‌ها و پیش رویش را پوشانده است. در دستش سطل سرخ پلاستیکی پر از شیر را گرفته و روی کنده درختی که از آن مثل چوکی استفاده می‌کنند، نشسته است. کنارش

خبرنگار ارشد:
ویراستاران:

امین کاوه
محمدعلی نظری، مقیم مهران
رضا مرادی

صفحه آرایی:
پذیرش مقالات:

Info@8am.media

Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۸۸۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی:
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

حمله افراد مسلح به سه روستا در کنگو ۱۳ کشته برجای گذاشت

مقام‌های محلی کنگو از حمله گروه‌های مسلح به سه روستای در شرق این کشور خبر داده‌اند. آدیاس موبیتابیلیو، یکی از مقام‌های کنگو به خبرگزاری فرانسه گفته است که این حمله روز جمعه، ۳۰ جولای، به سه روستا در شهر ایتوری این کشور صورت گرفته است. به گفته او، در پی این حمله دست کم ۱۳ تن جان باخته‌اند. تا کنون هیچ گروهی مسوولیت این حمله را به عهده نگرفته است. شرق کنگو هم مرز با رواندا، اوگاندا و بوروندی است از ۲۰ سال پیش تا کنون صحنه حملات و درگیری گروه‌های مسلحی بوده که در پی کنترل معادن طلا و کبالت هستند. در این درگیری‌ها و حملات تا کنون هزاران غیرنظامی کشته شده‌اند.

سفر مخفیانه رییس سیا به اوکراین

هم‌زمان با آغاز ضد حمله نظامیان اوکراینی در جنوب و شرق این کشور علیه مواضع ارتش روسیه، رسانه‌های غربی از سفر پنهانی ویلیام برنز، رییس سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (CIA) به کی‌یف خبر داده‌اند.

واشنگتن پست، به نقل از منابع خود، جمعه‌شب، ۳۰ جون، گزارش داده است که برنز در این سفر با ولادیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین و مسوولان استخباراتی این کشور دیدار و گفت‌وگو کرده است.

بر اساس اطلاعات، سفر رییس سیا به اوکراین، در جریان ماه جون صورت گرفته، اما تاریخ دقیق آن مشخص نیست.

برنز در این سفر و هنگام دیدار با مقام‌های اوکراینی بر تبادل اطلاعات به‌هدف موفقیت در جنگ علیه روسیه تاکید کرده است.

با این حال، مارک میلی، رییس ستاد مشترک ارتش امریکا روز جمعه، ۳۰ جون، در یک نشست خبری در واشنگتن گفته که ضد حمله اوکراین به‌طور پیوسته، اما به‌بسیار دشواری پیش می‌رود. این مقام نظامی امریکا افزوده است: «جنگ روی کاغذ با جنگ واقعی بسیار تفاوت دارد. در جنگ واقعی، افراد واقعی در خط مقدم هستند و جان می‌دهند.»

میلی با اشاره به ضد حمله اوکراین تصریح کرده است که این «عملیات خونین» خواهد بود.

با این همه با گذشت چندین هفته از آغاز ضد حمله اوکراین، مقام‌های ارشد این کشور گفتند که تاکنون ۱۳۰ کیلومتر از مناطق اشغالی را در جنوب این کشور از نیروهای روسی پس گرفته‌اند.



رییس سازمان سیا: جدا شدن از چین با توجه به وابسته‌گی متقابل عمیق اقتصادی احمقانه خواهد بود



چین نیست که احمقانه است، بلکه باید به طور معقولی از ریسک کردن و تنوع بخشیدن به آن با ایمن کردن زنجیره‌های تامین انعطاف‌پذیر، محافظت از برتری فناوری و سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های صنعتی، استفاده کرد. گفتنی است که تشدید تنش‌های سیاسی و اقتصادی میان ایالات متحده و چین بر سر موضوعاتی هم‌چون تایوان، جنگ در اوکراین، تعرفه‌های گمرکی و تراشه‌های الکترونیکی، رهبران دو کشور را به سمت افزایش فشارها و یارگیری‌های جدید در عرصه بین‌المللی کشانده است. باین حال، حدود یک ماه پیش دیپلمات‌های ارشد این دو کشور در نشست‌های پکن توافق کردند که خطوط ارتباطی را برای جلوگیری از تبدیل تنش‌ها به درگیری باز نگه دارند.

ویلیام برنز، رییس آژانس اطلاعات مرکزی امریکا (CIA) می‌گوید که جدا شدن از چین با توجه به وابسته‌گی متقابل عمیق اقتصادی احمقانه خواهد بود.

بربنیاد گزارش رویترز، برنز این اظهارات را روز شنبه، ۱ جولای، در شهر آکسفوردشایر انگلستان مطرح کرده است. او تصریح کرد: «چین تنها کشوری است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری را به طور فزاینده‌ای برای انجام این کار دارد.»

برنز اضافه کرد: «در دنیای امروز، هیچ کشوری نمی‌خواهد خود را در اختیار [کارتل یک] برای مواد معدنی و فناوری‌های حیاتی قرار دهد. پاسخ به آن، جدا شدن از اقتصادی مانند

گوترش: بیش از ۱۳۰ میلیون دختر در سراسر جهان از آموزش محروم‌اند

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد می‌گوید که بیش از ۱۳۰ میلیون دختر در سراسر جهان از آموزش محروم‌اند. گوترش روز شنبه، ۱ جولای، با نشر توییتی این موضوع را بیان کرده است.

وی هشدار داده است که محرومیت دختران از حق آموزش، آنان را در معرض خطر ازدواج زودرس، خشونت و استثمار قرار می‌دهد.

این در حالی است که حدود ۲۱ ماه از مسدود شدن مکتب‌های دخترانه بالاتر از صنف ششم در افغانستان می‌گذرد. طالبان در این مدت بارها وعده بازگشایی این مکتب‌ها را داده‌اند.

با وجود اعتراض‌های گسترده در نقاط مختلف کشور، این گروه تا کنون دروازه مکاتب را بازگشایی نکرده است.



هزاران کارگر بندری در بریتیش کلمبیای کانادا دست به اعتصاب کاری زدند



می‌شود، ملاقات کرده‌اند. اما این انجمن در اعلامیه‌ای گفت: «متأسفانه، توافقی

بیش از هفت هزار کارگر بندری در ایالت بریتیش کلمبیای کانادا پس از عدم دست‌یابی به توافقی برای تمدید قرارداد در سراسر صنعت این کشور که در ماه مارچ سال جاری منقضی شده بود، دست به اعتصاب کاری زده‌اند.

بربنیاد گزارش رویترز، این افراد روز شنبه، ۱ جولای، درست به اعتصاب کاری زده‌اند.

انجمن کارفرمایان دریانوردی بریتیش کلمبیای (BCMEA) اعلام کرد که این اتحادیه و اتحادیه بین‌المللی لانگ‌شور و انبار کانادا، پنج‌شنبه و جمعه هفته جاری، در مذاکراتی که توسط سرویس میانجی‌گری و سازش فدرال پشتیبانی

ادامه اعتراضات در فرانسه؛ مکرون سفرش به آلمان را به تعویق انداخت

اشتاین مایر، رییس‌جمهور آلمان او را در مورد وضعیت جاری در فرانسه آگاه کرده است.

دفتر ریاست جمهوری فرانسه نیز گفته است که مکرون با در نظر داشت وضعیت جاری در آن کشور مایل است تا در روزهای آینده در کشور باقی بماند.

اعتراض‌ها در فرانسه پس از آن آغاز شد که در اثر تیراندازی پولیس آن کشور یک جوان ۱۷ ساله که ناهل نام داشت و به دستور توقف مأمور راهنمایی‌راننده‌گی توجه نکرده بود، در نزدیکی شهر پاریس کشته شد.

وزارت امور داخله فرانسه اعلام کرده است که در جریان اعتراض‌های شب جمعه و اوایل صبح شنبه بیش از یک هزار و ۳۰۰ معترض بازداشت شده‌اند.



امانویل مکرون، رییس‌جمهور فرانسه سفر رسمی‌اش به آلمان را که قرار بود فردا انجام شود، پس از آن به تعویق انداخت که اعتراض‌های خشونت‌آمیز معترضان در این کشور افزایش پیدا کرده است. رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که آقای مکرون روز شنبه، ۱ جولای، در یک تماس تلفنی با فرانک والتر

توییت برای دسترسی کاربران به پست‌ها محدودیت وضع کرد

حساب‌های بدون تیک اکنون محدود به خواندن ۶۰۰ پست در روز شده‌اند.

به گفته او، حساب‌های دارای تیک آبی روزانه شش هزار پست و حساب‌های جدید و تایید نشده روزانه ۳۰۰ پست می‌توانند بخوانند.

ماسک هدف از وضع این محدودیت‌ها را «جلوگیری از استخراج داده‌ها و دستکاری سیستم» عنوان کرده است.

مالک توییت تاکید کرد که این محدودیت به طور موقت وضع شده است، اما نگفته که تا چه زمانی ادامه خواهد داشت.

این در حالی است که ایلان ماسک، سال گذشته توییت را به قیمت ۴۴ میلیارد دلار خرید و بلافاصله مدیران ارشد این شرکت را اخراج کرد.



ایلان ماسک، مالک توییت گفته است که محدودیت موقت برای تعداد توییت‌هایی که کاربران می‌توانند در یک روز بخوانند، وضع کرده است. ماسک روز شنبه، ۱ جولای، در توییتی نوشته که